

آشکارا شورای ملی مقاومت پرداخت. با چنین برخوردی به مسئله قدرت سیاسی در ایران، سوسیال دموکراسی اروپایی نمی‌توانست در مرحله دوم جنگ، سیاستی جز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت عراق را در مقابل رژیم خمینی در پیش گیرد. به اعتقاد ما، حمایت فعال نظامی، مالی، تکنیکی و دیپلماتیک سوسیال دموکراسی جهانی از عراق، در مرحله دوم و آغاز مرحله سوم جنگ، قبل از هر چیز ترجمان عملی سیاست عمومی و نحوه نگرش کلی سوسیال دموکراسی به رژیم حاکم در ایران و احتمال تریسین جانشین آن می‌باشد. درست است که رابطه طولانی و گسترده اقتصادی - سیاسی عراق با مهمترین کشورهای اروپایی به سهم خود در حمایت اروپا از عراق حائز اهمیت بود، همان‌طور که گفتیم، اساس این حمایت، نحوه نگرش سوسیال دموکراسی، به مسئله قدرت سیاسی در صحنه سیاست ایران است. اما عدم سقوط سریع رژیم، استمرار حاکمیت خمینی و بروز نشانه‌هایی حاکی از طولانی بودن پروسه سرنگونی حکومت - که به تغییر توازن قوا و آرایش سیاسی جدیدی در عرصه مبارزه طبقاتی ایران منجر گردید - و تداوم جنگ، بن بست موجود، مشکلات مالی عراق در پرداخت دیون و قروض و نیازمندیهای روزافزون این دولت - که امکان تداوم یک سیاست حمایتی درازمدت را از سوی حامیان عراق مشکل می‌ساخت -، همه این عوامل نمی‌توانست تا ثیرات معین خود را بر سیاستهای سوسیال دموکراسی اروپایی برجای نگذارد (۶). همان‌طور که عدم تحقق استراتژی سقوط سریع خمینی، صفوف اپوزیسیون نه‌شاه‌ونسه خمینی را دستخوش تحولاتی ساخت، نیروهای اپوزیسیون مترقی جدا شدند و به اپوزیسیون فرمیست یا سلطنت طلب گرویدند، همان‌طور نیز می‌بایست با زتاب این تغییر و تحولات در صحنه بین‌المللی، بخشی از دولت‌ها، احزاب، محافل، روزنامه‌ها و شخصیت‌های لیبرال و سوسیال دموکرات جهان را در باره وضعیت سیاسی کنونی ایران به بازاندیشی وادارد، تمایلات تجدیدنظر طلبانه نسبت به "شورای ملی مقاومت" و رژیم "جمهوری اسلامی ایران" را پرورش داده و تحلیل و سیاست جدیدی را در دستور کار این جریان‌ها قرار دهد (۷). طبعاً دور شدن بخش‌هایی از سوسیال دموکراسی (خاصه در قدرت) از آلترناتیو "شورای ملی مقاومت"، راهی جز نزدیک شدن تدریجی ایران به قدرت سیاسی موجود در ایران ندارد و شمری غیر از سرمایه‌گذاری دراز

(۶) تغییر در وضعیت سیاسی جامعه، ضرورتاً نمی‌بایستی که به تغییر رادیکال در صف آرایی نیروها و توازن قوای سیاسی - طبقاتی منجر شود. عنصراً گاه (در اینجا بخش چپ شورای ملی مقاومت) می‌توانست با تحلیل هوشیارانه و واقع بینانه از وضعیت سیاسی جامعه، تعقیب دقیق تغییر و تحولات سیاسی، تغییر روحیه و ذهنیت مردم، با ارائه یک برنامه جدید و منطبق با شرایط موجود، پروسه تغییر توازن قوا را کند کند و با ارائه اشکال مناسب حرکت و سازماندهی از تعبیر کامل آرایش نیروها جلوگیری نماید. تمحیح برنامه اولیه شوراه و ارائه برنامه منطبق با تغییر و تحولات چند سال گذشته، البته نمی‌توانست از تمام جدا بیها، تجدیدنظر طلبیها و راست رویها جلوگیری کند، ولی قطعاً می‌توانست پروسه جدایی بخشی از نیروها را برای مدتی به تعویق اندازد و از جدایی برخی دیگر جلوگیری نماید.

(۷) تا کفیه پیدا است که افکار و آراء و عقاید هم‌مسلمانان ایرانی سوسیال دموکراسی اروپایی، برای نظریه پردازان و سیاستمداران این جریان جهانی حائز اهمیت و تا حدی معینی منشا

مدت بر روی اپوزیسیون فرمیست حاکمیت را به ارمغان نمی آورد. از طرفی دیگر تغییر زاویه برخورد به مسئله قدرت سیاسی در ایران و پیدایش افق تحول دراز مدت این حکومت، خواهی نخواهی تاثیرات خویش را در سیاست عمومی این بخش از سوسیال دموکراسی نسبت به جنگ ایران و عراق به جامی گذارد. درحقیقت، اگر برای این بخش از بورژوازی جهانی، افق سقوط سریع رژیم مه آلود شود، امکان استقرار حکومت برای یک دوره (هرچند کوتاه) و تحول درونی و استحاله این رژیم محتمل گردد، دیگر چه دلیل موجه و معقولی برای تقویت همه جانبه عراق در پیشبرد سیاست جنگی علیه دولت ایران وجود دارد؟ در چنین حالتی، بخش "راست" سوسیال دموکراسی نیز می بایست در انطباق با استراتژی عمومی خود در ارتباط با قدرت سیاسی در ایران، و با احتساب اشکال متنوع "تحول" و "استحاله" حاکمیت موجود، سیاست جدید خود را نسبت به جنگ ایران و عراق تنظیم کند؛ درهای بسته ارتباط با دولت ایران را بگشاید، رابطه یک جانبه خود را با عراق، به رابطه ای دوجانبه یا عراق و ایران مبدل کند، نوعی از موازنه مثبت در برخورد به دولت را در دستور روز قرار دهد و در عوض پیشبرد یک سیاست خارجی کاملاً جانبدارانه، با یکا ر بست اهرمها و محملهای دیپلماتیک بصورتی مثبت و موثر حسن نظر خود را به حکام تهران نشان دهد. اما این تغییر موضع سیاسی، آنهم درباره موضوعی با این اهمیت، قطعاً نمی توانست بدون چیدن مقدمات لازم، بشکلی غیرمنتظره خود را آشکار نماید. "تغییر بیان" جناح راست سوسیال دموکراسی (از جمله دولت فرانسه)، البته که می بایست با حزم و هوشیاری فراوان توأم گردد و به تدریج و در طول یک پروسه تمامی وجوه خود را آفتابی نماید. پس "اعتدال" این کلمه سحرآمیز، ترجیح بندهاها و نغمه های تسلیم طلبیها، سازشکاریها و عاقبت جوییهای این دوره را نصب العین حرکت سیاستمداران و کارگزاران خود نمود. بدین ترتیب تنظیم روابط خارجی و دیپلماتیک جدیدی با دولت ایران و عراق و خط خاصی نسبت به جنگ جاری میان آنها در دستور روز قرار گرفت. ابتدا می بایست که "افراط" در مناسبات میان دولت فرانسه با عراق، به "اعتدال" در این مناسبات مبدل شود، گرمای رابطه گذشته اندکی کاهش یابد و حساب و کتابهای میان دو دولت کمی بیشتر از گذشته راست ورین شود. پس از آن می بایست که در رابطه با شورای ملی مقاومت و به ویژه بخش چپ آن، طریقی "اعتدالی" پیشه شود و کیفیت رابطه با اپوزیسیون انقلابی جهت سرنگونی حاکمیت

تاثیر می باشد. به عنوان مثال، نقطه نظرات سیاسی، ارزیابیهای مقطعی و بررسهای عمومی افراد و حزبانی چون بنی صدر، حزب دموکرات کردستان ایران و... در نقطه نظرات و تحلیلنهای سیاسی روزنامه های مهم سوسیال دموکرات و لیبرال فرانسه (مانند لوموند و لیبراسیون) تا حدود زیادی موثر است و در محاسبات سیاستمداران سوسیال دموکرات ملحوظ می شود. به اعتقاد نگارنده این سطور، ارزیابیهای کاملاً مخدوش و مغلوط بنی صدر و حزب دموکرات در مورد "جناح معتدل حاکمیت"، "حرکت حاکمیت به سوی اعتدال"، "استحاله لیبرالی" این حاکمیت که بیش از هر چیز بیان ترلز این نیروها در پیشبرد وادامه یک حرکت انقلابی می باشد، به هم خود در تسریع پروسه جدایی بخشهایی از سوسیال دموکراسی جهانی از آلترناتیو انقلابی موثر واقع شد.

قرون وسطایی از "پرده‌ای از ابهام" خارج گردد. از این نقطه به بعد امکان آن حاصل می‌آید که آرام آرام فاصله را از شورای ملی مقاومت افزایش داد و به همان آرامی گام‌های کوچکی به سوی گشایش دریچه‌های ارتباطی با رژیم ارتجاع برداشت. این چنین بود که به ناگهان اخباری مربوط به وجود پاره‌ای مشاجرات میان دو دولت فرانسه و عراق، در مطبوعات جهان درز کرد. منازعه میان دو دولت در مورد هزینه‌های فرودگاه بغداد در مطبوعات اروپایی تحت عنوان "بحران کوچک میان فرانسه و عراق در مورد پرداخت هزینه‌های فرودگاه بغداد" مطرح شد، اخبار مربوط به اعمال فشار فرانسه بر عراق جهت دریافت سریع‌تر بدهیها، همه و همه نشانگر شروع اختلافاتی میان دو دولت بود. ادامه این منازعات و مشاجرات، به جایی رسید که ناگهان خبر عدم موافقت فرانسه با تحویل اگزوستها، اذهان عمومی را به حیرت و بازانندیشی درباره فعل و انفعالات مربوط به جنگ واداشت.

دولت عراق نمی‌توانست نسبت به این مسائل بی‌توجه باشد و از درک معنایی نهفته در این حرکات غافل بهمانند. دولت عراق، از همان آغاز این روند، یعنی از اوایل ماه ژانویه، تبلیغات گسترده‌ای را زیر عنوان "فرانسه تغییر سیاست می‌دهد" از طریق بینگاه‌های تبلیغاتی خود آغاز کرد. روشن است که نگرا نیهای عراق در مورد نشانه‌های تغییر سیاست فرانسه بی‌مورد نبود. فرانسه عملاً در صدد آن برآمده بود که مناسبات و روابطی را با رژیم ایران بگشاید. این تصمیم سیاسی بخشی از سویال دموکراسی اروپا بود. فرانسه بخوبی می‌دانست که ایجاد هرگونه رابط‌های با دولت "جمهوری اسلامی ایران" در گرو تغییر سیاست این کشور نسبت به دو موضوع است: انجام اقداماتی برای اشیات تغییر موضع این کشور نسبت به اپوزیسیون انقلابی و در ارتباط با جنگ ایران و عراق. درباره موضوع دوم، یعنی جنگ، حرکات و رفتن را خیر فرانسه نسبت به عراق به اندازه کافی حاوی پیام‌های آشتی طلبانه جناح راست سویال دموکراسی، به دولت خمینی بود. اکنون می‌بایست که این حرکات، با اقداماتی جهت محدود کردن فعالیت اپوزیسیون انقلابی ایران در فرانسه تکمیل گردد و مجموعه‌ای کامل را تشکیل دهد. تقلیل حفاظت اقامتگاه مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، در روز اول ماه فوریه گذشته، پیام روشن دولت فرانسه به سردمداران رژیم خمینی و بیان آمادگی این دولت جهت آغاز مذاکراتی برای زدودن کدورتها و "رفع سوء تفاهمها" بود (۸). ناگفته پیداست که حرکات فرانسه در قبال رژیم بغداد و اپوزیسیون انقلابی به اندازه کافی گویای تعابلات آشتی طلبانه

(۸) درست است که مقامات دولت فرانسه در روز سوم فوریه به رجوی اطمینان خاطر دادند که تعلیل ندادند که اساسی ساکرها چگونه تعبیری در سانس فرانسه نسبت به معاهدین حلیق ایران نمی‌یابد، لیکن معنی این حرکت از چشم‌های سربس سانسمداران و روزنامه‌نگاران جهان پنهان نماند. نکاهی کوتاه به مطبوعات آن روزها بسیار آموزنده است. مثلا روزنامه "لسراسون" ۱۹ فوریه ۱۹۸۵ عسوانی را که برای مقاله سیمناطولانی خود در این مورد اسباب می‌کند، اسبت: "نوارن: کوه خم فرانسه به ایران" و سنا روزنامه "لومس" ۱۴ فوریه ۸۵، عسوانی متا به عنوان "لسراسون" را نکار می‌کرد: "فرانسه کوه چمنی به ایران می‌اندازد".

بود که بتواند موجبات شکستن یخهای سرد میان دو دولت را فراهم نماید. پس، مطابق معمول، ابتدا کارفرمایان و تجار فرانسوی مجدداً روانه ایران شدند، بعد لحن بیان دولت فرانسه نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کرد. سپس پیامهایی از طریق مباحثه‌های مطبوعاتی بین دو دولت رد و بدل شد. آقای دوما وزیر جدید امور خارجه فرانسه در گفتگویی با خبرنگار لیبراسیون گفت که "ایران طرف معامله‌ای است که وجود دارد" (لیبراسیون، ۱۹ فوریه). همین خبرنگار از قول یکی از مقامات وزارت امور خارجه اظهار داشت "عراق دیگر در خطر نیست و زمان آن است که نگاه را بسوی تهران برگردانیم." آخر الامر نیز مقامات دو کشور علنی و آشکار در پشت میز نشستند و مدارهای مربوط به ایجاد رابطه‌ای نزدیک و صمیمانه را با یکدیگر به بحث گذاشتند (۹). بطور خلاصه:

تعبیر نوازن قوای سیاسی در عرصه مبارزه طبقاتی جامعه، که موجب جدایی بخشهایی از نیروهای لیبرال و سوسیال دموکرات از اپوزیسیون انقلابی شد، در آغاز مرحله سوم جنگ باعث تغییر و تحولاتی سیاسی در عرصه بین‌المللی نیز گشت. بخشی از سوسیال دموکراسی اروپایی، سیاست آمریکا در قبال جنگ را عملاً مورد تأیید خود قرار داد. این سیاست یعنی حفظ حالت نه جنگ و نه صلح، که در عین حال، خواست کوتاه مدت رژیم خمینی در لحظه کنونی نیز می‌باشد، به هیچ وجه نمی‌توانست مورد توافق عراق قرار گیرد. بنابراین منطقی و طبیعی بود که عراق نیز هر چه سریع‌تر در تدارک برهم زدن صف بندیهای سیاسی موجود و ایجاد موقعیتی متفلساوت نسبت به وضع جاری باشد.

بررسی تغییر و تحولات بین‌المللی در مرحله سوم جنگ، بدون ارزیابی هر چند مختصر از سیاست عمومی "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی"، و دولتهای منطقه خلیج - فارس نسبت به دو دولت ایران و عراق و جنگ جاری میان آنها، از حداقل کلیت و جامعیت برخوردار نخواهد بود. اتحاد شوروی از آنجا که هر دو دولت ایران و عراق را دولتهای ضدامپریالیست و مشرقی ارزیابی می‌کرد، از همان آغاز جنگ خواهان پایان فوری محاصره و استقرار آتش‌بس میان دو دولت بود. ادامه جنگ از نقطه نظر اتحاد شوروی، جز در خدمت کمپانیهای بزرگ بین‌المللی، جز تسریع پروسه "وابستگی روزافزون این دولتها به قدرتهای امپریالیستی" و جز در خدمت تقویت گرایشهای متمایل به غرب و مخالف شرق تأثیر دیگری نداشته است. به این ترتیب، محسوس شلیفات و دیپلماسی شوروی (باز یگزاهای گاه به گاه) کلاً در راستای پایان دادن به جنگ و استقرار صلح قرار داشته است.

(۹) "... با اینهمه از قول من به آقای دوما بگویند، به خاطر آن مقطع کوتاه اما مهم در فرانسه، حاضریم گذشته را دیده بگیریم به شرط آنکه صریح و قاطع تصمیم بگیرند و روابط موجود را احسنه کنید. آنگاه کاردار فرانسه گفت: مناسبانه‌تر است که این موضع خصمانه را که به آن نسبت داده می‌شود بخاطر دشمنی با انقلاب اسلامی ایران اتخاذ کرده است، بلکه علت آن سوء تفاهم برداشت از انقلاب اسلامی بوده است."

(در باره ملاقات پرن ورفسنجانی، نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران - ساعت ۱۲/۵ یکشنبه ۲۱ مارس).

درست است که دیپلماسی محافظه کارانه شوروی جز در مراحل نهایی مبادرات و انقلابها و جنگها از سرعت، صلابت و قاطعیت چندانی برخوردار نیست؛ درست است که شورویها برخلاف آمریکا و اروپا از اهرمها و محملهای دیپلماتیک آنچنانکه باید و شاید، با حسارت و شجاعت استفاده نمیکنند؛ و درست است که همواره در هر اسرازدست دادن روابط دیپلماتیک خود میباشند و هم از اینرو در صحنه دیپلماسی بین المللی موضعی منفعل، معاشات جویانه و بیادنباله روانه از حوادث داشته اند؛ لیکن به هر حال، نقطه نظرات سیاسی و مواضع کلی این دولت، حتی در صورت عدم تبدیل به یک دیپلماسی فعال در وضعیت منطقه و جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. اتحاد شوروی در مرحله نخست جنگ، سیاستی کم یا بیش به سود دولت خمینی اتخاذ نمود. این سیاست در مرحله دوم به شکل روشنی به سوی عراق میل نمود. اکنون در مرحله سوم جنگ، با همه پشتیبانی نسبتا فعال شوروی از عراق، دلایل فایده کنشدهای برای اثبات تداوم این سیاست وجود ندارد. تحلیلها و ارزیابیهای شوروی البته نشانگر آن است که شورویها دیگر دچار توهم اولیه نسبت به "توان فایده توجه" رژیم خمینی در پی نمودن "راه رشد غیر سرمایه داری" نیستند. اما، همیشه مواضع سیاسی شوروی کاربرد عملی و ترجمان دیپلماتیک نمیباشد. سیاست خارجی و دیپلماسی شوروی، بارها و بارها نشان داده است که مواضع سیاسی رادیکال این دولت در قبال رژیمهای دست راستی منافعی روابط نزدیک سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی با چنین رژیمهایی نیست. به همین دلیل نیز از اکنون نمیبایست امکان بهبود روابط دیپلماتیک شوروی را با رژیم جمهوری اسلامی، امری ناممکن تلقی کرد. بهبود این روابط البته، می تواند موجب تعدیل سیاست حمایتی شوروی نسبت به عراق شود. در چنین صورتی، امکان حمایت شوروی از یک حالت "نه جنگ، نه صلح"، فرضیه ای غیر معقول و دور از انتظار نخواهد بود. این احتمال، نمی تواند در محاسبات رژیم عراق، در اتخاذ سیاست بمباران شهرها ملحوظ نشده باشد. به هر حال، هم اکنون، موضع سیاسی شوروی در قبال جنگ و خواست علنی و کلی این دولت در مورد صلح ترجمان عملی نداشته و فاقد مابهازای سیاسی است.

آخرین عامل خارجی در محاسبات رژیم عراق در طرح و تدوین سیاست بمباران شهرها، موقعیت فعلی و چشم انداز آتی روابط دولتهای حوزه خلیج فارس با دولتهای ایران و عراق و جنگ میان آنها می باشد. درست است که رژیمهای حاکم بر کشورهای حوزه خلیج همگان به حمایت از عراق پرداخته و خطرات اقدامات احتمالی تلافی جویانه رژیم خمینی را پذیرا گشته اند، اما در ادامه یافتن اجتناب ناپذیر چنین حمایت همه جانبه ای نباید دچار خوشبینی افراطی شد. به لحاظ بین المللی موضع آمریکا در قبال جنگ، تعبیر موضع بخشی از سوسال دموکراسی جهانی نسبت به رژیم ایران و سردیک شدن این جریان به مواضع آمریکا، سیاست کجدار و مریز شوروی نسبت به جنگ، بخودی خود نمی تواند در درازمدت، تاثیرات معینی بر حکومتهای حوزه خلیج فارس بگذارد.

اما در کنار این عوامل بین المللی، عوامل داخلی و منطقه ای نیز دچار دگرگونیهایی شده اند. به لحاظ اقتصادی، درآمدهای ارزی ناشی از تولید و صدور نفت کشورهای عربی در طول چند سال گذشته به شدت روبه کاهش گداشته است. رکود

بازار نفت جهان و نزول عمومی قیمت‌ها، باعث می‌شود که دولت‌های منطقه نتوانند همچون گذشته سطح حمایت‌های مالی خود را به رژیم عراق ثابت نگاهدارند، علاوه بر آن دگرگونی مهم دیگری نیز در وضعیت سیاسی منطقه حادث شد که اوضاع را با مرحله اول و اوایل مرحله دوم کمی متفاوت می‌ساخت. اسلام‌وایده "انقلاب اسلامی" که در ابتدای انقلاب ایران از جذابیت و محبوبیت خاصی در میان توده‌های زحمتکش و تحت‌ستم منطقه برخوردار بود، اینک با تجربه عملی چندساله حکومت خمینی به میزان فراوانی نفوذ خود را از دست داده و از اعتبار و حیثیت اولیه تهی شده بود. دیگر جمهوری اسلامی خمینی نزد مردم ستمکش عرب مترادف و معادل حبس، اعدام، شکنجه، فقر، گرسنگی، بیکاری، آوارگی، اعتیاد، جنگ، بی‌خانمانی و جنایت شده بود. طبیعی است که تجربه عملی رژیم خمینی بیش از تبلیغات قلمی و شفاهی برای مردم تحت‌ستم کشورهای منطقه معنی و مفهوم داشته باشد. این واقعیتی است که توده‌های مردم عرب دیگر چون گذشته مجذوب شعارهای عوام‌فریبانه نیروهای مسلمان طرفدار خمینی نمی‌شدند. کشورهای منطقه در این مرحله از جنگ، برخلاف مراحل پیشین، خود را آن‌ها با خطر شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های پان‌اسلامیستی مواجه نمی‌دیدند - اگرچه نیروهای اسلامی، حتی نیروهای اسلامی طرفدار خمینی، هنوز از درجه معینی از نفوذ و حمایت توده‌بی‌برخوردار بودند. این واقعیت موجب آن می‌شد که دولت‌های منطقه خود را چون گذشته، موظف و مجبور به تقویت همه‌جانبه "سد ضد اسلام" عراق نبینند و این عامل در کنار عوامل موقعیت اقتصادی و سیاست‌های جهانی می‌توانست در موقعیت معینی تبدیل به تخفیف نسبی حمایت‌های دول عرب از عراق و تمایل به سوی راه حل‌های سیاسی درازمدت، و در نتیجه پذیرش موقعیت نه‌جنگ و نه صلح، گردد. رژیم عراق آن‌گاه که به اشغال سیاست‌بیاران شهرها دست یازید قطعاً این عامل را نیز در محاسبات خود ملحوظ داشته بود.

ادامه دارد

گزارش

نقد

نظر

یادداشت

"اقلیت" و آئینه عبرت

۵. غازیانی —
اتفاقی که در جلسه شش سواری ملی مقاومت در لندن روی داد و خبر آن در روزنامه معاهد شماره ۲۳۱ آورده شد، تاسف آوراست. تا بعد از آزایی لحاظ که ابی رسانارنا پسدا از جانب اعما و طرفداران گروهی انجام گرفته که داعی مبارزه‌ای اصولی و علمی است، ولی با بددانه شده که انتخاب ناکنک جمله به حلمات سخنرانی و بیانه تراشیهای بیمورد برای پرده پوشی سات واقعی، در حقیقت نشانه غم انگیز پایان هرگونه مبارزه جدی سیاسی است. اما فکر اینکه این عمل واقفد اماتی نظیر آن بتواند برای گروه اقلیت بسا و ر سیاسی ایجاد نماید، نصوری است باطل، رسانا و ر سیاسی واعما را اجتماعی سک حرمان فکری ار عملکرد اجتماعی آن نشات می‌کند که فاسو مند است و با نوسل به زور و فلداری و شاساز سیاسی هم به هیچ وجه

نمی‌شود و خودش آورد. اما عا فلامه نسبت که گروه اقلیت، سرنوشت چپ غیر مذهبی را بطور اعم و سا زمان جریکهای فدایی خلق را بطور اخص، بویژه بعد از پیروزی قیام فد سلطنتی در نظر بگیرد؟

همه می‌دانیم که این سا زمان بخاطر نتوانه مبارزات گذشته خود بر علیه رژیم شاه، بعد از پیروزی قیام با اقبال عظیم اجتماعی رو برو شد و به یکی از نیروهای سراسری واقعی سیاسی بدل گردید. انتظار و امندان بود که این نیروی شکل یافته در مسیر تعمیق حرکت انقلابی در کنار نیروهای دیگر به وظایف خود عمل کنند، بکانه و صاحب برنامم بشود و با تفاف با سر نیروها راه وحدت همگانی را هموار سازد تا با تحقق آن مصمین لازم برای میانست دسا وردهای تمام با به ریزی شود.

ولی در عمل چنین نسد. عملا سطح بارل آکا هیهای اجتماعی از یک طرف و دعواهای بس با زمانم و دسمبیهای طرفه‌ای درون حب ا ر طرف دیگر سرور و روان و قدرت مبارزه را از آن سلب نمود و سحای آن برا کند کسی، سی صدافنی سیاسی، بر حسب رسمی و سوطنه کری نسبت بهم ماری عادی و معمول بدل

کردید. بعد از چندی ارتجاع حاکم بخشی از باصطلاح چپ ایران را بصورت انشعاب اکثریت بلعید و تحریک نشان داد که آن بخش باقیمانده نیز موفق نگردد گریبان خود را از خرده بینیها رها سازد و بسه تصحیح خود همست گمارد و با جنبش عمومی ضد دیکتاتوری مردم همقدم گردد. بناچار با زهم دعواهای درون سازمانی (اقلیت) ادامه یافت تا با بروز یک سری انشعابات زنجیره ای ساکرایشهای مختلف تکلی توان مبارزه از دست رفت و عملاً از صحنه پیکار بدور افتاد.

در این میان نه تنها طبقه کارگر، هیچگاه فرصت نداشت از نشستن، سردرگمی و مبارزه فرقه ای مدعیان نجات خود سردر بیآورد، بلکه همچنین قادر نبودند صورت ظاهر هم که ندهد فرق بین اکثریت، اقلیت، جناح چپ اکثریت، و... را درک کند.

حالا برسیدی است که جنس سربوست رقت باری را چه عاملی بحر "ماهیت" دروسی حربان چپ می توانست باعث ندهد باشد؟

مادر بحریه ایران یکبار دیگر با اسی واقعیت رو بر رو شده است که جنبش کارگری را رونق بخرد و بورژوا به سبب جا بگاه طبقاتی و بخصوص فرهنگی گسسته دارد، نمی تواند ما بیدگی کند و تجربیات عملی مبارزاتی طبقه کارگر را از منسک کار طبقاتی بدست آورد. آراییی رو برای سر در آوردن از فوایس عام رو بیدادهای تاریخی کشورش به کتابها مراجعه می نماید و از تحریکات دیگران برای جامعه خود الگو برداری می کند و در عمل دچار همست می شود.

در این رابطه بررسی سربوست حرب توده، بسیار آموزنده است. این حرب سا زمانیکه برای کسب حقوق دموکراتیک و دموکراسی اجتماعی، یعنی آزادی مطبوعات، آزادی مطب و سانس، اتحاد سندیکا های کارگری، قانونی کردن سند اجتماعی کارگران، کم کردن ساعات کار، مبارزه با سبوا دی، عمودی کردن

بهداشت و... مبارزه کرد، موفقیتها یی بدست آورد، ولی از موفقیتها مکررات طبقه کارگر از طریق انقلاب پرولتری بسد رهبری خود و استقرار حکومت سوسالسی افتاد، قصد بیخ پیدا کرد و بحای بار یک کشیده شد.

خود کمیته مرکزی حزب در پیلنوم چهارم که از ۵ تا ۲۶ تیسرماه ۱۳۳۶ در لندن گرا دبرای بررسی و جمع بندی سیاست حزب در سالهای قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برگزار گردید، جنس گزارش می کند: "ضعف رهبری خود دارای علل مشخص است، رخنه تفکر خرده بورژوازی در رهبری..."

اختلافات شدید در دستکا رهبری موجب فلج رهبری می شد... ضعف کیفی رهبری، یعنی سطح بازل تئوریک و ضعف کارا کنرا افلاسی رهبری در مجموع خود".

اما در باره وجود اختلافات شدید در رهبری اینطور گفته می شود: "بررسی موارد متحص نشان می دهد که اختلافات در رهبری حرب ما بطور عمده و به نحوی از انحاء با اشغال مواضع مهم رهبری ارتباط داشته است و در داخل کمیته مرکزی دو جهت احیال وجود دارد که در مبارزه خود نموده های یکلی غیر اصولی و ناسالم کار می برند. نخست، بیرونده سازی، سوء ظن سیحا، عدم رعایت اصولیت شکلاسی، با سازگاری با کلکسیو، تک روی، خشونت، لحاح، کینه سوزی -

چنین است نمونه هایی از این شیوه ها" (تاکیدات همه جا از ما است)

بیدیهی است این حزب یا چنین خصال ساگزیرا از اصحلال است، این سرنوشت را چه چیزی جز "ماهیت" خوداومی تواند باعث شده باشد؟

صرفنظر از بحریه حزب توده، چپ غیر مدهمی با وجود تمام افتخارات گذشته اش، چه در کلیت خود، چه در هیئت سازمان حربکهای فدایی خلق "اقلیت" و چه بصورت گروه کوچک باقیمانده از آن، با انیسوهی

از تحریکات تلخ و نتایج منفی عملکرد احتماعی خود که زاشیده ماهیت خود اوست ، روبروست . این نتایج میبایست بخصوص برای گروه "اقلیت" آئینه عبرت باشد و اداورش کند که دلائل ناگامی اجتماعی خود را درون همین نتایج جستجو کنند ، نه نزد مهدی سامع ، نه پیش از زمان مهادین خلق یا شورای ملی مقاومت ، مشکل اساسی گروه "اقلیت" مشکل "ماهیت" است . این حقیقتی است که مهادین در سایه مقاومت حماسی خود امکان بقا یافتند و به محور اصلی مبارزه انقلابی بدل گردیدند ؛ مقاومتی که مدارک آن در سیردی سغب و خوسین و در اثر برخورد و تحلیل درست از ماهیت رژیم و عملکرد اجتماعی آن حاصل گردیده است .

اقلیت بحای مبارزه با اعلام فقر و سهریزی مردم ، تلاشی خورا و مبارزه با مهادین را از چند سال قبل به کانونیتربس وظیفه خود بدل نموده و با سنطریق داسته با نداسته آب به آبیاب دشمن میریزد . در سر مقاله کار شماره ۱۵۸ اینطور آمده که کلام میگوید که "انقلاب به مردم در سبهای مهمی داده ... و از همه به مترادعای مهادین در دفاع از حقوق و سافع زحمکنان به سیراهه کشیده نده و بسا به ماهیت متزلزل و بسا پیگیر خود در اتحاد و سازش با السرالها از مبارزه علیه امیرالسوم و ارتجاع دست بر - دانسته اند" . بسا بر این فط "اکون بسا یک سازمان انقلابی بیکر ، سعی سازمان حرکتهای فدایی خلق ایران بسا به بسا مبارزه با رژیم مارکسیست - لنینیست بسا به سمل مبارزه آئینی بسا در علیه امیرالسوم و ارتجاع طبغایی ، بسا به سمن هرگونه سازکاری بسا می مانده است که همخوان بسا عزمی راسخ و به سبزه ای انقلابی به مبارزه خود ادا می دهند و بسا بسا به ارموع طنند کارکر و ارماسبع بوده های رجمکن دناع می کند" .

اندها لاطا تلاشی بسن بسبب ، بسبب بسو صق اجتماعی و عرصه کدام راه حل انقلابی

برون رفت از مصیبت بزرگ اجتماعی امروز ادعای نویسنده و بسا نویسندگان اس سر - مقاله را به ثبوت رسانده که اینها در بسن اینهمه مدعیان رنگارنگ ، "تنها بسا زمان سراسری مارکسیست - لنینیست" اند که در مقابله با آنها این چنین تافتند جدا یافته ای شده اند ؟

حسبیت مرحله کمونی مبارز در بسا ارتجاع حاکم ، بسو بیت هر چه بسنتر ثورا و همکسای بسا مهادین را بصورت مبرمترین و طبغه هر فرد آزاد بخواه و استقلال طلب در آورده است . به این اعتبار عمل سامع و افرادی مثل او در اتحاد و یگانگی بسا بسروهای دیگر قابل تحسین است و بسا بسا بسا بسا به آن صحه گذانت .

زن ...

بدنسال استا ر مقاله خام بسن اتحاد در شماره دوم "ثورا" اظهار نظرهای متعددی از سوی باره بی از خوانندگان بدست ما رسیده که حلامه بی از هر کدام را در بریرا ز نظر شما می گذرا بسیم .

ن . حسینی

خام ن . حسینی در مقاله بسی بسبب معطل ، بسا از بررسی هدفهای رژیم حمیمی ارتساست جاننگارانه بی که در مورد زبان نگار سبها است ، و هدفهای که رژیم ناهار "آرادی رمان" بسا می کرد ، و بسا بسا به دلائل بسا ربحی عقب مانده بی بسا در حوامع بسی ، ارجمله خامه ایران ، در مورد نوشته خام اتحاد بسن اظهار نظر کرده اند :

طرح بسببهای خام بسن اتحاد برای بسکل در "کمیته های رمان درون بسا بسببهای بسرفی و انقلابی" قابل بررسی است و بسبب

سپروهای فعال سیاسی توده ضرورت شرکت فعال نیروهای مختلف سیاسی، فومسی، عقیدتی بصورت متشکل و سازمان یافته، از جمله تشکلهای زنان، توجیه می‌شود، نکته‌ای که شاید نگرانی عمومی خانم اتحاد را کاهش دهد و نیز قطعاً از نظر سازماندهی سیاسی دور نخواهد بود هوشیاری روزافزون و آبدیدگی سیاسی - اجتماعی توده‌هاست که از بونه‌های متعدد آزمون‌ها و بخصوص جنبش‌های آنها، رژیم خمینی، گذشته و به آن حد انقلابی رسیده‌اند که جناح شورایی هر یک از سازمانهای سیاسی خواست‌های اساسی آنها را در برنامه عمل خود نگنجانند و با فرسنگ‌ها به استفاده از خواستهای آنها تمدن‌محیط خود را بر آنها داشته باشند. سرنوشت شاه و خمینی را در مورد خود آنها نیز قطعاً به‌مورد اجرا گذارند.

نگاهی کوتاه به مقاله خانم اتحاد

نسرین ز.

اگرچه در پنداشت‌های من، مسئله زنان در جامعه امروز ایران، جدا از سایر مسائل و جدا از سایر تبعیضات و ستمها نمی‌تواند مورد بررسی قرار گیرد و مسلماً رفع ستم بر زنان هنگامی تحقق خواهد پذیرفت که ستمها و تبعیضات بشمار دیگری که اکنون کلوکا و خلق ما را آزار زن و مرد، کسرد و ترک و بلوچ و فارس، کارگر و کارمند و کشاورز، می‌فشد، با مبارزه پیگیر و همه جانبه رفع گردد، اما نگاهی کوتاه بدین بحث، لازم نظر می‌آید.

... آنچه بیش از هر چیز امروز زنان ما را در بند تبعیضات جنسی نگاه می‌دارد، نه به رژیم منحط شاه خلاصه می‌شود و نه به رژیم ضد بشری خمینی محدود. ستمهای اجتماعی اعمال شده بر زنان ایران ریشه در تاریخ، فرهنگ و بطور کلی نگرش جامعه دارد و اثرات اساس مسئله تاریخی را هنوز هم در ابعاد وسیع می‌توان در جامعه کنونی

اینجانب به این ترتیب تکمیل می‌شود که عنوان "سازمانهای مستقل" از عنوان پیشنهاد حذف شود. در تمام این تشکلهای شرط اساسی و اصولی مبارزه در مرحله قبل از تحقق انقلاب همسویی و اتحاد همه نیروها برای نیل به هدف محوری یعنی تحقق انقلاب رها بیبخش ملی است و خواست‌های گروهی در بطن هدف محوری پی گیری تسهیل و در راستای آن بر آورده می‌شوند بطوریکه در این شرایط هرگونه خواست مستقل یا انحرافی، اگر نه فدا انقلابی، لااقل غیر انقلابی و شوونیستی ارزیابی می‌شود در برابر دستیابی به خواست‌های گروهی و فومسی فقط و فقط منوط و محدود به تحقق شرایط مقدماتی رهایی ملی و حصول دموکراسی است و مبارزات انحصاری این تشکلهای پس از تحقق انقلاب با شیوه مسالمت آمیز در درون میهن رها شده و با حمایت حکومت دموکراتیک مستقر درجا معصوم می‌گردد. به این جهت حذف عبارت "سازمانهای مستقل" از عنوان پیشنهاد ضرورت پیدا می‌کند.

به این ترتیب در شرایط فعلی مبارزه برای رهایی از ستم خمینی ضد سرنوشت اتحاد عمل و همسویی تمام نیروهای منرفی در حیطه انقلابی شورای ملی مقاومت اهمیت اساسی می‌یابد. در برنامه حداقل شورای ملی مقاومت دورنمای واقع‌گرایانه‌ای از مسائل جامعه و راه‌حلهای آنها ارائه می‌شود که در آن استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی سه رکن اساسی شناخته می‌شوند: "به این ترتیب از نظر سیاسی و اجتماعی، نه زن و نه مرد، نه قومیت و عقیده و مذهب... هیچیک بخودی خود و بدون پیشنهاد آراء عمومی از لحاظ سیاسی و اجتماعی برد دیگری ترجیح قانونی ندارد" (ص ۳۱ برنامه دولت موقت نسخه اصلاح شده - ۶۳/۴/۳۵). اتفاقاً در همین رابطه و بمنظور انطباق واقعی تر نمودار سازمان بندی حیطه با توزیع آمار

ایران ، به صورت تبعیضات اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی ، ورزشی ، حقوقی و ... مشاهده نمود .

اما چگونه در رفع این ستم می‌توان موفق بود ؟ تنها با مبارزه‌ای یکجانبه و بدور از سایر مبارزات و اهداف انقلابی مردم به پا خاسته ایران ؟

... سئوالاتی که مطالعه مقاله خانم اتحاد برمی‌انگیزد این است که آیا مشکل زنان ، یک مسئله اجتماعی نیست و اگر هست آیا یک مرد حق ایراز نظر و نوشتن نظریات خود را در آن مورد ندارد ؟ و آیا نباید از اینکه مردان آزادیخواه و مترقی جامعه کنونی ایران به اهمیت این مسئله واقفند و خود را در حل این مسئله دینفع می‌دانند - چرا که با درست بودن زنان ، خود را نیز تحت ستم می‌انگارند - ایراز خوشحالی سمود ؟ آیا جداسازی زن از مرد ، در مبارزه و در سایر مسائل اجتماعی همان راهی نیست که رژیم خمینی در آن کامیابی دارد ؟ به عنوان مثال در مورد تبعیضات فومسی و بطور خاص در مورد مسئله کردستان ، آیا تنها کردها با دید پرچم‌مبارزه را بر دوش کشند و وظیفه هر انسان آگاه و مبارزی نیست که در رفع این ستم کام بردارد ؟

راستی از مقاله شما ، خانم اتحاد ، چنین برمی‌آید : مردان ! مبارزه بسرای آزادی زنان ، که بخشی از مبارزه سراسری است ، برای شما ممنوع ! آنرا تنها به زنان واگذارید ! ...

با بدگفت و نوشت که گرچه حل قسمت عمده‌ای از مسئله زنان در برنامۀ دولت انقلابی آینده آمده است و مسلمانه راه برقراری آن تلاش خواهد شد ، اما این نکته را نیز باید مدنظر کرد که تنها دولت انقلابی نیست که بر ما مه و بطرح خواهد داد و درسی آن مشکلات حل خواهند ، بلکه تلاش یک سبک زنان و مردان در حال و آینده و در کسب سایر مبارزات مردمی است که در رفع تبعیضات همه مردم و بطور خاص زنان خواهد

انجام مید .

تبعیض برزنان نه فقط با سرنا مه دولت ، نه تنها با کوشش یک جانبه در بیان بدور از سایر عرصه‌های مبارزه ، و نه با حذف مردانی که می‌توانند در این راه همسردوش و همقدم با زنان کام بردارند ، عملی است . حل چنین مسئله‌ای احتیاج به کوشش و زمان دارد ؛ کوشش هر یک از ما برای رفع این تبعیضات و زمان لازم برای زدودن غبارهای قرن‌ها تبعیض و ستم جنسی از ذهنها همان .

بهمن ماه ۱۳۶۳ - ایتالیا

خانم اتحاد به جنگ چه کسی باید رفت

م . خ .

دو شماره اول و دوم ماهنامه حامل مطالب بسیار آموزنده‌ای در رابطه با مسئله زنان بود . اولین شماره ، مقاله‌ای به علم آقای نریس و دومین شماره نوشته خانم نسرین اتحاد را شامل بود ؛ نوشته‌ای که باید بگویم بیان کننده اسراف از واقعیت مسئله زن در جامعه است ؛ نظری که امروزه از جانب بسیاری از زنان ، نه فقط برخی زنان ایرانی بلکه فمینیستهای کشورهای اروپایی نظیر ایتالیا نیز عنوان می‌شود .

... تا برابری زن و مرد یک معضل اجتماعی است که کلیت جامعه را در بر می‌گیرد و معلول جامعه طبقاتی است ، حال ما باید به جنگ چه کسی برویم ؟ جنگ با مردان یا بواسطه استثنای حاکم و فرهنگ منتج از آن ؟

خانم اتحاد می‌نویسد : " آیا همین وضعیت که در نشریه شورا آقای شریف درباره مسائل زنان مقاله می‌نویسد ، این وضعیت که در جلدهای کورای ملی مفسا و مست صباست و روحیاتی زن ۱۹۸۴ در لندن برقرار کرده است آقای بهمن برومند از جانب شورا جنرالی می‌کنند ، این وضعیت که در میان ۹ نشریه‌ی بنده مقاله‌های شماره اول نشریه شورا محض نمونه یک نفر زن پیدا

می‌شود که بحای آقای شریف خود در باره مسئله زن اظهار نظر کنند، بیانگر این واقعیت نیست که آنچه آقای شریف برای جامعه نوین و انقلابی آینده آرزو می‌کنند هنوز در خود سازمان‌هایی که می‌خواهند بنیانگذار این جامعه باشند، جامعه عمل بخود نبوشیده است؟

... خانم اتحاد می‌خواهد که مردان نویسنده در باب مسئله زن نه چیزی بنویسند و نه چیزی بگویند، و حق اصیاب رنگارنگ و سخنرانی در این باره را برای "سازمان مستقل زنان" محفوظ دارند. سازمان مستقلی که از قیل تا بلوی "ورود مردان ممنوع" در بالای سردر آن نصب شده است. خانم اتحاد سازمان‌های انقلابی را پدیده‌های مستقل از جامعه بررسی می‌کنند و از آنجا چنین نتیجه می‌گیرند:

"اگر بحای جامعه انقلابی آیند، سازمان‌های انقلابی امروز را در نظر بگیریم، اگر مدت معقول را پنج، شش سال فرض کنیم و اگر "حبران بخش زیادی از عقب ماندگی" را با فروتنی کامل به این محدود بدانیم که یک نفر زن در بین مردان پیدا شود که پرچم دفاع از حقوق محنتان خود را در دست بگیرد، می‌بینیم که با هم حواس‌های ما و آقای شریف عملی شده است."

سازمان اتحاد دیررسد: در جامعه‌ای که زنان از نظر کمی و کیفی امکان رشد نیافته‌اند، آیا این امر، بالطبع، در درون سازمان‌های انقلابی نیز تا شمار نمی‌گذارد و این کمبود در آنجا نیز نمودار نمی‌شود؟

مبارزه زنان از دیرباز وجود داشته و زنان انقلابی بسیار هم نتوانسته‌اند این

عقب ماندگی همه جا شبه را حبران کنند. منظور من این نیست که مبارزات ریسمان در برکردن این مامله بی تاثیر بوده است، چه بسا این مبارزات (همچنانکه خود خاسم اتحاد نیز اشاره کرده‌اند) از زمان منروطیت موجود بوده است و بسیار دگم‌های فرهنگی را در رابطه با توانایی‌های زن در هم بکشد است. مقاومت زنان در شکم‌ها هپسای دژخیمان متعدد، عملیات جریکی زنان در مبارزات مسلحانه، مبارزات سیاسی در محامع بین المللی و موفقیت‌های زنان در زمینه مسائل علمی نشان دهنده توانایی زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است و این همه با شرکت زنان در مبارزه میسر گشته است.

تحقق زنان در طول سال‌های دراز، عقب ماندگی‌های عمیقی را باعث شده است و این عدم رشد کمی و کیفی امروزه در جامعه ملموس است و با فدا نکند، اما بلخی واقعیت تاریخ نباید ما را از بدترس آن باز دارد. بدیش، نه به مفهوم تسلیم بلکه پذیرش و حرکت در جهت تغییر آن با مبارزه و تلاش بیشتر.

در شرایط کنونی بقول آقای شریف "آنچه بیش از هر طرح مترقی و انقلابی، اهمیت و نقش اساسی و تعیین کننده دارد، شرکت خود زنان در مبارزه با طرز آزادی خود و جامعه خویش است." در اینجا سبب که تشکلات زنان لزوم حیات می‌یابد، تشکلاتی که در پیوند با سازمان‌های انقلابی و در جریان جنبش انقلابی امکان رشد و توانایی جذب هر چه بیشتر زنان به مبارزه را کسب می‌کنند.

با آمدن به پیروزی انقلاب

پیام مسئول شورای ملی مقاومت به مردم ایران

هموطنان ،
مردم مقاوم ایران ؛

بدنیال شکست فزاینده با رژیم خمینی در تهاجم موسوم به بدر که حدود ۶۰/۰۰۰ کشته و محروم برحای گذاشت ، اکنون بیش از یکماه است که بمباران و گلوله باران شهرها و مردم بیگناه در هر دو کشور ادامه دارد . باین ترتیب شهرهای بلاد دفاع و مردم ستمزده میهن ما در معرض مصیبتها و خسارات مضاعف قرار گرفته و در ناامنی کامل بسر می‌برند .

نیازی به تذکرندارد که شورای ملی مقاومت ایران پیوسته هرگونه حمله‌ای علیه شهرها و دهکده‌ها و ساکنان بی دفاع را چه از جانب عراق باشد و چه از جانب رژیم خمینی ، قویا و قاطعانه محکوم کرده و می‌کند . بر همین اساس در "بیانیه صلح" مورخ ۱۹ دی ماه ۱۳۶۱ که توسط اینجانب و نایب نخست وزیر عراق امضا شده نیز بر اصل امنیت و مصونیت غیرنظامیان تاکید گردیده است . سپس در آغاز سال ۶۲ دولت عراق ، طرح صلح شورای ملی مقاومت را به عنوان مبنای قابل قبولی برای آغاز مذاکرات صلح پذیرفت . علاوه بر استقبال گسترده مردمی از این طرح در داخل کشور مسلمان که حقایق صلح عادلانه را نوید می‌دهد ، تاکنون ۲۳۵۲ جریبان با حزب و سازمان پسا شخصیت سیاسی در سراسر جهان حمایت خود از طرح صلح شورای ملی مقاومت را کتباً به اینجانب اطلاع داده‌اند . رهبران گروهی از احزاب و پارلمانها و مجامع بین المللی (از قبیل شورای اروپا ، پارلمان اروپا و بین الملل سوسیالیست) و بسیاری از شخصیتهای شناخته شده صلح دوست در این زمره‌اند . همچنین استقبال عمومی از هفته‌های "صلح" و "مبارزه با جنگ" که از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران که در سطح سراسری در داخل کشور برگزار کردید ، بیرونی ثابت کرده است که در ایران هیچکس جز خمینی و دارو دسته‌پلید او جنگ نمی‌خواهد . چرا که رژیم متزلزل

خمینی برای ادامه حکومت خود قویا نیازمند جنگ و صدور تروریسم می باشد و لذا از آنجا که ما از آغاز جنگ اعلام کرده ایم، خمینی جز در شرایط درماندگی مطلق، یعنی جز در آستانه سقوط رژیمش به صلح نخواهد داد. زیرا حکومت سنگین خمینی بدون "سرپوش جنگ" دیری نخواهد پاید و در برابر مقاومت اعتلا یا بنده مردم ایران محققا سرنگون خواهد شد. چنین است که خمینی سر نوشت خود و رژیمش را با جنگ پیوند زده و همچنانکه از آخرین حرفهای او در هفته گذشته نیز پیداست، باز هم بر ادامه جنگ بهر قیمت، با فشاری می کند. زیرا که او نمی تواند سرد شدن تنور جنگ را که با مال بسه خاموش شدن کوره های سرکوب منجر خواهد شد، بپذیرد.

اینجاست که دور باطل "تهاجم و شکست" خمینی و دور دردناک بمباران و گلوله باران مردم بیگناه وی پناه، با یاسی ندارد. کما اینکه خمینی باز هم در این ایام سرغم شکست مفتضحانه تهاجم موسوم به بدر در فکر دست یازیدن به تهاجم جنگی جدیدی است. تهاجمی که گویا قرار است لشکرها و تیپهای متعددی از سپاه خمینی و ارتش در آن شرکت داشته باشد. گویا اینکه واضح است نتیجه تهاجم بعدی از نتیجه تهاجم قبلی بهیچ وجه بهتر نخواهد بود. پس در این میان آنچه می ماند، باز هم مصیبت های بیشتر برای مردم ایران و باز هم بمباران است و گلوله باران و ناامنی و خسارات عظیم حاشی و مالی و حتی خرابی آثار دین و قیمت باستانی ...

شکست انگیز است که خمینی خاشن حتی به پاسداران رژیم خودش سر رحم نمی کند! به نحوی که پس از شکست مفتضحانه تهاجم موسوم به بدر در برابر سبیل زخمیهای حبه کسه می بایست به بیمارستانهای شهرهای مختلف منتقل می شدند و وسایل نقلیه کافی برای انتقال آنها وجود نداشت. خمینی دستور داده بود که هر کس را که مردنی است سوار هواپیما و قاطر کنند و بگذارند در کناری بمیرد. این دستور را سازمان مجاهدین خلق ایران از روی مکالمات رادیویی ایادی رژیم در داخل کشور کشف کرده است. هم میهنان!

گسترش اعتراضات و تظاهرات ضد جنگ یا شعار "مرگ بر خمینی" مبرمترین وظیفه مبنی و مردمی است. چرا که صلح و آزادی و امنیت عمومی، تنها با سرنگونی رژیم صدامی خمینی محقق می شود. با درک همین حقیقت خدشه ناپذیر است که اعتراضات اجتماعی و مخالفتها و تظاهرات مردمی بر ضد جنگ یا شعار محوری "مرگ بر خمینی"، در هفته های اخیر در سراسر کشور اوج می گیرد. در همین رابطه و در حوال شعار محوری مقاومت مسلحانه سراسری و شورای ملی مقاومت، از اواخر اسفند ماه گذشته، ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران به فعالیت های گسترده ای دست باز کرده و طی اطلاعیه ۶۳/۱۲/۲۸ خود نیز به صدور یک سلسله رهنمودهای عمومی خطاب به واحدها و هسته های مقاومت، مبادرت ورزیده است. ستاد بخش ارش سازمان مجاهدین خلق ایران نیز از ده روز پیش، حول همین شعار محوری در رسمیهای مختلف ارش در رابطه با سازمان و درجه داران و افسران مبین دوست و مردمی به کار پرداخته است. اطلاعیه ها و رهنمودهای دو ستاد فوق الذکر از طریق رادیو به گرات بعرض ملت ایران رسیده تا:

اولا - عموم مردم مقاوم و صلح دوست ایران روحه های خود را در برابر مصیبتها و مفاعیل اخبار حفظ نمایند و

شایا - با احتراز از هرگونه برخوردی با آمیز و انفعالی، با ایمان به صلح و آزادی و با ایقان به در دسترس بودن این دو آرمان اساسی، قبل از هر چیز با عواطف برانگیخته، با زیانهای تیز و با مشت‌های گره‌کرده، رژیم خمینی و شخص پلید خودش را نشانه روند و هدف قرار دهند.

بر همین روال بدنبال تظاهرات موضعی و پراکنده هفته‌های اخیر در نواحی جنوب شهر تهران، روز گذشته هزاران تن از مردم مصیبت‌زده کوی سیزده آبان به تظاهرات و به دادن شعارهای مخالف، بویژه شعار «مرگ سر خمینی» پرداختند. مزدوران کمیته‌ها و پاسداران سرکوبگر خمینی از نقاط مختلف منجمله از پایگاه منطقه شهری جهت سرکوب مردم بیگناه و بی‌پناه جنوب شهر تهران وارد عمل شده و پس از سد و کردن راه‌های ورودی منطقه بر آنها رگبار آتش گشودند. تا این لحظه مجروح شدن دهها تن از مردم و شهادت یک دانش‌آموز و دستگیری چند صد تن دیگر گزارش شده است. اما مردم قهرمان جنوب شهر تهران متقابلاً گروه‌زبانی از مزدوران را مضروب و روانه بیمارستان کردند و تعدادی از وسایل حمل و نقل ایادی خمینی را از کار انداختند. درگیری تا حوالی نیمه شب ادامه داشت...

هموطنان عزیز!

شورای ملی مقاومت بر حسب وظیفه خود برای ممانعت از میمباران مردم و شهرهای بی دفاع کشورمان اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مختلفی را در سطح بین‌المللی نیز مد نظر قرار داده است.

شورا در اجلاس فوق العاده سه‌شنبه ۲۰ فروردین ۶۴ با ردیگر مسئله میمباران و گلوله‌باران شهرها و ساکنان غیرنظامی را مورد بحث قرار داد و مجدداً آن را از هر جانب که باشد - چه عراق و چه خمینی - به اتفاق آرا محکوم شناخت. اینجانب نیز بعنوان مسئول شورا موظف شدم کلیه اقدامات ضروری برای ممانعت از میمباران مردممان را ادامه داده و موکداً پیگیری نمایم.

لاکن بدیهی است اعم از اینکه اقدامات سیاسی و دیپلماتیک به نتیجه برسد و یا نرسد، آنچه تعیین‌کننده و اساسی است اعتراضات، مخالفتها و تظاهرات خودمردم علیه جنگ و اختناق و برای صلح و آزادی است.

از اینرو مجدداً از عموم مردم مقاوم، صلح‌دوست و آزادیخواه ایران درخواست می‌کنم بردا منه حرکات خود علیه جنگ طلبی و اختناق خمینی بیفزایند.

با تسلیمت به همه مردم داغدار و مصیبت‌زده ایران

با آرزوی خاتمه‌نهایی جنگ و میمباران

و با درود به مردم قهرمان جنوب شهر تهران

مسئول شورای ملی مقاومت

معمودرجوی

۶۴/۱/۲۲

پیام مسنول شورای ملی مقاومت بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران رزمنده و قهرمان ایران!
هسته‌ها و شوراهای مقاومت کارگری!

شورای ملی مقاومت روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران و زحمتکشان تحسنت
ستم‌بویژه کارگران و زحمتکشان مبارز و رنج‌دیده میهنمان، تبریک و شهنیت می‌گوید.
امسال عید بزرگ کارگران را که پیام آور مبارزه عادلانه و مستمر زحمتکشان بر علیه
بهره‌کشی انسان از انسان و نبود بخش‌امحاء استعمار و ستم‌طبقاتی در جامعه بشری
است، در شرایطی گرامی می‌داریم که مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی
اوج تازه‌ای گرفته و هر روز با بعد دو سיעتری می‌یابد. مقاومتی که با پیش‌رو قرار دادن
سرنگونی دیکتاتوری عمیقاً ارتجاعی و ضدکارگری خمینی، از مقدم‌ترین و مبرم‌ترین
خواستهای طبقه کارگر ایران نیز (همچون سایر اقشار و طبقات مردمی) بعنوان یکی
از مهمترین اهداف و اساسیترین برنامه‌های دموکراتیک - انقلابی خود، دفاع
می‌کند. بخصوص که فهرست هزاران شهید و اسیر کارگر در شمار مجاهدان و مبارزان
مقاومت سراسری، مبین نقش ارزنده و شرکت گسترده کارگران ایران در مقاومت
شکوه‌مند مردمی و سراسری است. قهرمانانی که با خون خود برای سایر کارگران هم -
زحیرشان در کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف نیز فضای حرکت و اعتراض و اعتصاب
کشودند.

رژیم ددمنش خمینی در سالی که گذشت تا می‌توانست در اجحاف و تبعیض و سرکوب
و چپاول کارگران چیزی فروگذار نکرد. این رژیم ضدکارگری از یکطرف اختناق قرون
و سطاسی خود را از طریق شوراها و انجمنهای ضداسلامی و ضدکارگری و سایر دوایر سرکوب
خود و با حضور پاداران مسلح، در محیط کار اعمال می‌کند و از سوی دیگر در عرصه
اقتصادی و امکانات رفاهی و خدمات اجتماعی، بالاترین فشارها را بر کارگران روا
می‌دارد. سردمداران این رژیم که در وقاحت و بیشرمی مرزهای غیرقابل‌تصوری را
در نور دیده‌اند، رسماً و آشکاراً خواستار کم‌کردن مزایای کارگران می‌باشند. بعنوان
مثال موسوی اردبیلی، قاضی القضاات جای‌تکار دربار خمینی، چندی پیش به کارگران
گفت: "تعطیلیها را کم کنید، ساعات کار را زیاد کنید، شیهارا نصف کنید، خوابتان
را کم کنید، استراحتتان را کم کنید. خودتان را طرح نکنید، جیب‌تان را طرح
نکنید."

همچنین دستمزدها را به کارگران از سال ۵۸ تا پایان سال ۶۳، روزانه در ۶۳۵
ریال تثبیت شده؛ در حالی که ظرف چندسال اخیر قیمت کالاهای اساسی در کشور ما
۱۵ تا ۲۵ برابر افزایش داشته و این در شرایطی است که اخذی رژیم از کارگران
به مناسبت‌های مختلف و تحت عناوین گوناگون فشار مناعفی را بر آنان وارد می‌سازد.
به نحوی که بر اساس آمارهای اعلام‌شده از سوی رژیم طی ۶ ماه گذشته فقط انجمنهای
ضداسلامی ۴۵ کارخانه بیش از صد میلیون تومان از دست‌رنج کارگران را برای جنگ

در اختیار مقامات رژیم قرار داده اند. از همه اینها تکانه دهنده ترا عزام اجباری کارگران به جبهه های جنگ است که به اعتراف وزیر معادن و فلزات رژیم (مهر ۶۳) فقط از کارخانه ذوب آهن اصفهان طی یکسال ۶ هزار نفر به جبهه اعزام شده و شمار قابل توجهی از آنها کشته شده اند.

اما در طرف مقابل، کارگران دلیرو مقاوم میهن ما نیز سال گذشته چه با شرکت فعال در هسته ها و واحدهای مقاومت سراسری و چه با شکل دادن اعتراضات و اعتصابات کارگری در کارخانجات مختلف، مشعل جنبش و مقاومت کارگری ایران را هرچه فروزانتر کردند. اعتصاب گسترده و پیروز منتهی ۲۰ هزار تن از کارگران ذوب آهن اصفهان در پائیز ۶۳ که همبستگی چندین کارخانه بزرگ دیگر اصفهان را نیز به همراه داشت، یکی از فرازهای درخشان جنبش کارگری میهنمان در سال گذشته بود که بالاخره با فشاری و استقامت کارگران به برآورده شدن بخشی از خواسته های آنان انجامید. این اعتصاب، رژیم خمینی را به شدت به وحشت انداخت.

در سالی که گذشت علاوه بر اعتصاب کارگران ذوب آهن، دهها اعتصاب و اعتراض کارگری در کارخانه ها و کارگاههای مختلف کشور در جهت احقاق حقوق حقه کارگران شکل گرفت که در این میان می توان از اعتصاب کارگران کارخانه ایران ناسیونال (خرداد ۶۳)، کارخانه کوکا کولای تهران (مرداد ۶۳) کوره پزخانه های اصفهان (تیر ۶۳) کارخانه فرخ (دی ۶۳) مس سرچشمه (شهریور ۶۳) کارخانه نساجی قائمشهر (بهمن ۶۳) کارخانه نساجی یزدیاف (بهمن ۶۳) و کارخانه فرش ماشینی راوندکاشان (بهمن ۶۳) نام برد.

علاوه بر این، طبق گزارشاتی که در سال گذشته مستمرا از محیطهای کارگری دریافت شده، جنبش صلح طلبی نیز در کارخانه های کشور گسترش بی سابقه ای یافته است. طبق این گزارشات صدها هزار شعار و تراکت در همین رابطه در کارخانه ها و کارگاههای سراسر ایران نوشته و پخش یا نصب شده و اعتراضات و مخالفت های متعددی نسبت به اعزام اجباری کارگران به جبهه های جنگ صورت گرفته است.

در صحنه بین المللی نیز نمایندگان شورای ملی مقاومت، همزمان با تشکیل هفتمین اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو که ۱۳۹ کشور در آن عضویت دارند، اسبوهی از اسناد و مدارک در رابطه با سیاستهای ضد انسانی و ضد کارگری رژیم خمینی را به این اجلاس ارائه نمودند و نمایندگان کشورهای مختلف جهان را به تفصیل در جریان سرکوبی که در ایران بر کارگران اعمال می شود، قرار دادند. به این ترتیب با ردیگر رژیم ضد بشری خمینی را در برابر هزاران نماینده از کشورهای مختلف که صدها میلیون کارگر را در سراسر جهان نمایندگی می کنند، افشا و بی اعتبار تر ساختند و حقانیت و اصالت مقاومت عادلانه مردم ایران و در بطن آن مقاومت کارگران ستمزده میهنمان، در انظار جهانیان یکبار دیگر به اثبات رسید.

علاوه بر این طی سال گذشته نمایندگان شورای ملی مقاومت مستمرا اوضاع سفیاری کارگران ایران و ستمی که رژیم خمینی بر آنان روا می دارد را برای سندیکاها، احزاب و محامع کارگری کشورهای مختلف جهان افشا و بازگو کرده اند. به نحوی که تا این تاریخ حدود ۶۵۰ سندیکا و اتحادیه کارگری و شورای صنفی که دهها میلیون کارگر در کشورهای مختلف سراسر جهان را نمایندگی می کنند، طی نامه های کتبی، همبستگی

و حمایت خود از مقاومت عادلانه مردم ایران و به ویژه کارگران تحت ستم ایران را ،
به اینجانب اطلاع داده اند .

کارگران قهرمان ،

هنه های مقاومت کارگری ،

امروز در شرایطی عید جهانی کارگران بزرگ می داریم که رژیم خمینی در انزوای
مطلق داخلی و در مقابل با جنبش سراسری و روبه اعتلای مردم ایران و همچنین در بند
نامی و رسوایی کامل بین المللی ، با بن بستهای حاد و علاج ناپذیر درونی و بیرونی
متعدد روبروست . بحرانهایی که قبل از هر چیز از زوال و فروپاشی محسوس آن خیر
می دهد .

در چنین شرایط حساس و دوران سازی ، کارگران رزمنده و قهرمان ایران در مسیر
تدارک قیام رها شیبش عمومی ، وظایف فوق العاده حساسی بعهده دارند که ذیلا به
سرخ از آنها اشاره می کنم :

۱- امروز سیاستهای جنگ طلبانه و سرکوبگرانه رژیم خمینی بیش از هر زمان دیگر
مورد تنفر عموم مردم ایران می باشد . بنحوی که چه در اشرافها و طاق فرسای ضد
مردمی رژیم و چه در اشراف عالیتهای گسترده داخلی و بین المللی شورای ملی مقاومت
پیرامون "ملح" ، که بسیار شمربخش بوده ، "بها نه جنگ" به متاب به برر کمربن حوربه
خمینی برای سرپوش گذاشتن بر اختناق و سرکوب داخلی و نابسا مانیه و مصائب بی
پایان اقتصادی و اجتماعی ؛ کارآئی خود را تا اندازه بسیار زیادی از دست داده
است . در همین رابطه اردیبهشت ماه جاری ، از سوی سازمان مجاهدین خلق ایران
در سراسر کشور ، ماه حرکات اعتراضی دستجمعی علیه جنگ و اختناق اعلام شده و همانطور
که بخصوص در هفته ها و روزهای اخیر شاهد آن هستیم اعتراضات و تظاهرات مردمی علیه
جنگ و اختناق و برای ملح و آزادی گسترش بی سابقه ای یافته است و اکنون صدای
"مرگ بر خمینی" ، "زنده باد ملح و آزادی" از بسیاری نقاط کشور به گوش می رسد . شرکت
هر چه فعالتر در جنبش عمومی ملح و خنثی کردن سیاستهای ضد ملی و ضد میهنی جنگ ..
طلبانه و سرکوبگرانه خمینی و تبلیغ هر چه گسترده تر شعار ملح و آزادی ، یکی از
برترین وظایف شماست . با بکار گرفتن همه اشکال مبارزه مثبت و منفی در محیط
کار و محل زندگی خود ، ابعاد این جنبش را بویژه در اردیبهشت ماه جاری گسترده تر
سازید .

۲- اعتصابات و اعتراضات کارگری را کماکان پیرامون خواسته های منعی و
نحملات ضد کارگری عوامل رژیم خمینی دامن زده و گسترش دهید . اس خواسته ها هر چند
هم که کوچک و یا چیز باشد ، بخشی از جنبش عمومی و بزرگ نامی خلق در برابر رژیم
خمینی را تشکیل می دهد . تلاش کنید تا خواسته های عادلانه شما به نحوی طرح و پیگیری
شود که بیشترین لایه های کارگران را در بر گرفته و آنان را در مقابل عوامل ارنجاع ،
منحدن سازد . آنگاه بایستی سطح این درخواستها را گام به گام بالاتر ببرید و در صورت
صا عد بودن شرایط ، خواسته های منعی خود را به خواسته های منعی - سیاسی ارتقاء

دهید. مثلا انحلال شوراهاى ضدکارگری و ضداسلامى کارخانه و یا تقاضای آزادی کارگرانی که در اعتراضات و اعتراضات کارخانه خودتان دستگیر شده اند و یا ...
تجربه ارزشمند و تحسین برانگیز از اعتصاب ذوب آهن، مبین این حقیقت است که هیچگاه نباید از طرح کردن و پافشاری در قبال خواستههای به حق خود در مقابل رژیم درمانده خمینی دست بردارید.
بایستی دشمن ضدبشری را با دست یا زیدن به تمام اشکال مقاومت، به عقب نشینی وادار کنید.

۳- تلاش کنید که در عین رعایت همه مسائل امنیتی به تشکیل هسته های مقاومت کارگری میادرت ورزیده و بدین ترتیب حرکات و اعتراضات بسیار ضروری کارگری را با شکل محوری مبارزه انقلابی، یعنی مبارزه مسلحانه، هرچه بیشتر پیوند دهید. بدیهی است که مقدماتهای صنفی کارگری نیز اساسا تحت الشعاع مبارزه انقلابی مسلحانه علیه دشمن ضدبشری که شکل اصلی نبرد است، امکان رشد و گسترش یافته اند. بنا بر این پیوند زدن و سمت دادن جنبش کارگری در این راستا، گام کیفی نویسی در ارتقاء این جنبش و عامل بسیار مهمی در تسریع قیام رها شیبش عمومی و سقوط رژیم ضدبشری خمینی است.

۴- به هر طریق و به هر شکل و در هر کجا که می توانید از حمایت و یاری رساندن به رزمندگان و واحدهای مقاومت مسلحانه از جهات مختلف حفاظتی - تدارکاتی - مالی - سکونتی و اطلاعاتی دریغ نکنید.

۵- از هر طریقی که می توانید بکوشید تا با تامین و افزایش ارتباطات لازم، از پیامها و اطلاعیه های مقاومت و دستورالعملهای تاکتیکی و مرحله ای آن، در اولین فرصت ممکن مطلع شوید. اطلاع سریع از این امور بخصوص در شرایط کنونی که جنبش مردم ایران اوج تازه ای گرفته، ضرورت مضاعف پیدا کرده است.
با درود به روان پاک کلیه کارگران تهران و مجاهد و مبارزی که تحت حاکمیت ننگین رژیم خمینی به شهادت رسیدند و با درود به همه کارگران اسیر و شکنجه شده، یکبار دیگر به همه ایادی جنایتکار رژیم خمینی که در امتداد سیاستهای جنگ طلبانه و سرکوبگرانه او، کارگران و زحمتکشان ایران را تحت فشار و اجبار قرار می دهند، اخطار می کنم که شکنجه و سرکوب و تزییع حقوق کارگران هرگز بی پاسخ نخواهد ماند و ایادی اختناق نخواهند توانست از شعله های خشم مقدس و انقلابی کارگران در امان بمانند. دیری نخواهد پاید که این نظام پوسیده و ضدبشری فرو خواهد ریخت و ایرانی آزاد و دموکراتیک، عاری از ظلم و ستم و سرکوب برپا خواهد شد. ایرانی که در آن از سیاستهای ضدکارگری و ضد مردمی خبری نخواهد بود. خون هزاران شهید، بویژه شهدای پرافتخار کارگر، ضامن تحقق اهداف و برنامه های انقلاب نوین مردم ایران است.

مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی

درود بر کارگران رزمنده و مقاوم ایران

مسئول شورای ملی مقاومت - مسعود رجوی

قطبنا مه

شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت بمنظور روشنی کردن افکار عمومی پیرامون رابطه حزب دموکرات کردستان ایران با این شورا و مواضع اتخاذ شده از سوی دبیرکل، دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب دموکرات و نشریه "کردستان" در قبسال اظهار نظرهای مسئول و سخنگوی رسمی شورا، آقای رجوی، در اجلاس فوق العاده سه شنبه ۲۵ فروردین ۱۳۶۴ که با حضور ۱۲ عضو شورا برگزار شد، تصمیم گرفت مواضع خود را به شرح زیر اعلام دارد:

۱- اختلال حزب دموکرات کردستان ایران با دیگر اعضای شورای ملی مقاومت که ماههاست ادامه دارد، بر سر مذاکرات سیاسی این حزب با رژیم خمینی است.

۲- شورای ملی مقاومت طبق بیانیه های ۲۱ فروردین و ۲۳ مرداد ۱۳۶۳ شورا که به امضای حزب دموکرات کردستان ایران نیز رسیده است، مجدداً تاکید می کند که رژیم خمینی را در تمامیت آن نفی نموده و کلیه جناح بندیهای درونی این رژیم را صدام انقلابی می شناسد.

۳- از اینرو شورای ملی مقاومت، با توجه به نتیجه نظر سنجی از اعضای شورا در جلسه ۱۷ دیماه ۶۳، بار دیگر تصریح می نماید که هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خمینی مخالف ماده ۱ اساسنامه شورا بوده و بعنوان نقض اساس موجودیت شورا، نافی عضویت در این شورا محسوب می شود (مطابق ماده یک اساسنامه شورا: "شورای ملی مقاومت برای سرنگونی رژیم خمینی و استعرا اردولت موقت تشکیل شده است.")

۴- بر این اساس از دبیرکل و دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران دعوت می کنیم با امضای سند حاضرمانند

دیگر اعضای شورا احثا هرگونه مذاکره سیاسی با رژیم خمینی را - که از این پس اعلام انفعال از شورا محسوب می شود - در حال و آینده، ممنوع و محکوم بشناسند. در صورت امضا نکردن سند حاضر، ادامه همکاری شورای ملی مقاومت با حزب دموکرات کردستان ایران در چارچوب این شورا موضوعیت ندارد.

محل امضاء احزاب و سازمانها و شخصیتهای عضو شورا:

- اسادان متعهد دانشگاهها و مدارس عالی کشور

- جبهه دموکراتیک ملی ایران - هدایت - الله متین دفتری

- جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (داد) - حلال گنجه ای

- حزب کار ایران - حمید بهمنی

- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - بیروبرنامه (هویت) - مهدی سامع

- سازمان محاهدین خلق ایران - مهدی ایریشمچی

- کانون توحیدی اصناف

- کاظم باقرزاده

- سروان حمید زبرکیان

- منوچهر هزارخانی

- ودوا مضای دیگر که اساسی آنها و اساسی نمایندگان اسنادان متعهد و کانون

توحیدی اصناف به دلایل امنیتی دکر نمی گردد.

تلگراف مسئول

شورای ملی مقاومت

به دبیرکل ملل متحد

آقای خاویر پریز دو کوئیلار

دبیرکل ملل متحد

محرمات - جریان مسافرت احرمات - میهن اسیرما، یکبار دیگر تاسف کرد که اکنون این بنهار رژیم خمینی است که

مذاکره و میانجیگری برای صلح را رد نموده و به اقتضای طبیعتش زبانی جز زبان قدرت و فشار نمی‌فهمد. بنا بر این موثرترین ابزارها و طرق تامین صلح و آرامش و خاتمه دادن به جنگ، حالیه عبارت است از: اولاً- قطع هرگونه حمایت مستقیم و غیر مستقیم اعضای ملل متحد از رژیم خمینی بویژه در رابطه با تجهیزات نظامی.

ثانیاً- تحریم خرید نفت از رژیم که بیش از ۴۰ درصد درآمد آن را صرف سرکوب داخلی و جنگ خارجی می‌کند.

بدانند اما با تاحل و ماطع معاونا سکر
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
معمودرحوی

۶۴/۱/۲۲ (۱۱ آوریل ۸۵)

- خواهشمند است مقررین با ایداعمای شورای امنیت از معاداس نلگراف مطلع گردند.

اطلاعیه دبیرخانه

شورای ملی مقاومت

برکراری تظاهرات و آکسیون در ۱۱ شهر سرک اروپا، آسما و آمریکا بر علیه ساست جنگ و اخصای رژیم خمینی در تاریخ ۱۷ اردیبهشت

شورای ملی مقاومت به منظور اعلام همبستگی با اعتراضات و تظاهرات گسترده مردم و نیروهای مقاومت در داخل کشور برای صلح و آزادی:

و بمنظور اعلام انرجا را از سیاستهای جنگ طلبانه و اختناق آفرین رژیم ضد بشری خمینی:

و بر اساس پیام ۲۲ فروردین ماه مسئول شورا به مردم ایران مبنی بر اینکه "گسترش اعتراضات و تظاهرات ضد جنگ با شعار "مرگ بر خمینی" مبرمترین وظیفه میهنی و

خواستار ادامه جنگ می‌باشد، البته تصادفی نیست که رژیم‌ها مشروعی همچون رژیم خمینی که تاکنون بیش از ۴۰/۰۰۰ نفر را اعدام و بیش از ۱۲۰/۰۰۰ تن را به حرم مقاومت در برابر دیکتاتوری مذهبی با فجیعترین شکنجه‌های ممکن زندانی نموده است؛ تا این حد نیازمند جنگ باشد. فی الواقع جنگ طلبی خمینی رابطه مستقیمی با ستم‌ها جویی آشکارش علیه تمامی اصول مندرج در اعلامیه حقوق بشر و منشور ملل متحد دارد.

با اینهمه جای شگفتی است که چرا سازمان ملل متحد در برابر یک چنین رژیم فدیخری به اقدام فاطما به دستجمعی مبادرت نمی‌کند؟ آقای دبیرکل،

بنا بر این اجازه بدهید به حکم مسئولیت خطیری که شخص شما در قبال صلح جهانی و حفظ حقوق و حرمت‌های بشری برعهده دارید، بنام مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی و بنام شورای ملی مقاومت ایران، با محکوم شناختن قاطع همه حملات علیه شهرها و ساکنان بلاد فساد در ایران و عراق و با یاد همه قربانیان جنگ، بویژه یاران نیوه مقتولین و مجروحین بمبارانها و گلوله‌بارانهای اخیر نکات زیرین را به اطلاع رساننده و اقدامات مبرم در باره آنها را از شخص شما خواستار شوم:

۱- قطع بمباران و گلوله‌باران و پرتاب راکت و موشک علیه مردم بیگناه و بی دفاع در هر دو کشور ایران و عراق - و بویژه در رابطه با مردم اسیر ایران - اکنون دیگر نیازمند یک اقدام جدی و دستجمعی در سطح بین المللی است. و بایستی در شورای امنیت مورد بررسی و چاره‌اندیشی قرار بگیرد.

۲- از آنجا که یکبار دیگر به انبساط رسید که رژیم خمینی - بی اعتنا به قطعنامه‌های ملل متحد - تاکنون هرگونه

شورای ملی مقاومت از عموم هموطنان عزیز خارج از کشور دعوت می‌کند با شرکت در این تظاهرات و آکسیونها فریاد اعتراض مردم ایران را علیه جنگ و اختناق به گوش جهانیان برسانند.

مردمی است. " روز ۱۷ اردیبهشت ماه جاری (برابر با هفتم ماه مه) در ۱۱ شهر بزرگ اروپا، آسیا و آمریکا تظاهرات و آکسیونهای مختلفی برگزار خواهند نمود.

| زمان و مکان برگزاری این برنامه‌ها به شرح زیر است | | | | |
|--|----------|----------|-----------|-----------------------|
| شماره | کشور | شهر | ساعت شروع | محل تجمع |
| ۱ | انگلستان | لندن | ۱۱ | تمپل پلیس |
| ۲ | آمریکا | واشنگتن | ۱۰/۳۰ | میدان فاراگت |
| ۳ | آلمان | بن | ۱۲ | مارکت (جنب شهرداری) |
| ۴ | سوئد | استکهلم | ۱۴ | میدان سرگل |
| ۵ | اتریش | وین | ۱۲ | میدان اشتوک ایمایدن |
| ۶ | کانادا | مونترال | ۱۱ | میدان فیلیپ اسکور |
| ۷ | هند | دهلی نو | ۱۱/۳۰ | جلوی سازمان ملل |
| ۸ | هلند | آمستردام | ۱۲ | میدان دام |
| ۹ | سوئیس | زوریخ | ۱۲ | میدان بانهوف اشتراسه |
| ۱۰ | دانمارک | کپنهاگ | ۱۲ | خیابان واکینگ استریت |
| ۱۱ | یونان | آتن | ۱۱ | سروبلد (جلوی دانشگاه) |

اطلاعیه توضیحی دبیرخانه شورای ملی مقاومت

درباره مفاد استعفانامه "شورای متحدچپ" از شورای ملی مقاومت

خمینی بر ضد شورای ملی مقاومت و همچنین بر صدام زمان محاهدین خلق ایران مورد استفاده واقع شده و رادیوهای ضد انقلاب مغلوب بکرات آنرا بمنظور سمپاشی علیه شورا بخش نموده اند و دعای نادریستی است که قویا مورد اعتراض برخی دیگر از اعضا و مسئولین شورای متحدچپ نیز واقع شده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت بمنظور روشنگری بی‌امون دعای فوق‌الذکر، لازم می‌سند نکات توضیحی زیر را به آگاهی عموم برساند:

بدسال مدور قطعاً ماه ۲۰ فروردین ۱۳۶۴ شورای ملی مقاومت (درباره مسئله مذاکرات سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران با رژیم خمینی) آقای مهدی خانبابا تهرانی نماینده "شورای متحدچپ برای دموکراسی و استقلال" طی نامه‌ای به مسئول شورای ملی مقاومت، استعفای گروه خود را بتاريخ ۱۵ فروردین از عضویت در شورا اعلام نمود.

اطلاعیه استعفای شورای متحدچپ (مورخ ۶۴/۱/۱۵) که بنحو گسترده‌ای در تبلیغات بقایای دیکتاتوربهای شاه و

به شورای ملی مقاومت تلویحا عذرخواهی کرد. لازم به تذکرات است که سایر عناصر و جریان‌های که آقای تهرانی در مقاطع مختلف خواستار جذب آنها به شورای ملی مقاومت بوده است نیز بهیچ وجه نایان اعطای القاب "ملی و مترقی" نبودند.

از سوی دیگر مطابق اساسنامه شورای ملی مقاومت که به امضای نماینده شورای متحدچپ نیز رسیده، منقاصان عضویت در شورای ملی مقاومت می‌بایست تقاضای کتبی عضویت خود را همراه با التزام به برنامۀ شورا و دولت موقت و دیگر مصوبات شورا، به مسئول شورا اعلام نمایند تا متعاقبا در نخستین نشست شورا مطرح و درباره آن رای گیری بعمل آید. بنابراین از نظر اداری و گردش کار قانونی شورا نیز چه خوب بود که آقای تهرانی و دوستانش مشخصا یادآوری می‌نمودند که کجا وجه مرقع تقاضای عضویتی به مسئول شورا رسیده که وی آن را بمنظور بحث و رای گیری باستحضار شورا رسانده باشد؟ حال اگر کسی انتظار داشته باشد که مقررات و ضوابط مصوب شورا نادیده گرفته شود، پرواضح است که انتظاری است پس بیجا و اگر مصوبات و مقررات شورا از آغاز اختلاف اصول "ترقیخواهان و ملی" می‌بود، نماینده شورای متحدچپ نمی‌بایست از آغاز آنها را امضا و تصویب می‌نمود.

۲- در اطلاعیه استعفاي شورای متحدچپ، ادعا شده است که در درون شورا "بسیار روابطی غیردموکراتیک و هژمونیک" روبرو شده اند که "آخرین محصول آن خودداری از دعوت حزب دموکرات کردستان ایران به جلسه شورا است".

در این مورد بهتر است آقای تهرانی و دوستانش را به امضای خود ایشان در پاي بیانیه ۶/مهرماه ۱۳۶۲ شورا توجه بدهیم در آنجا که می‌گوید: "ادعای اینکه شورا وجود خارجی ندارد و اگر چیزی به این نام وجود هم دارد بطور عمده آلت دست مجاهدین

۱- ادعای اینکه سیاست حاکم بر شورای ملی مقاومت معطوف به "حذف نیروها و شخصیت‌های مترقی و ملی" بوده است، کذب محض می‌باشد. شورای ملی مقاومت همچنانکه یکبار دیگر در بیانیه ۲۳ مرداد ۱۳۶۲ خود نیز از حمله با امضای آقای مهدی خا نبا با تهرانی (نماینده شورای متحدچپ) ناگید نمود "با استثنای ضد انقلاب‌ها لیب و مغلوب، خواهان اتحاد همه جریان‌های ترقیخواه مردم ایران برای سرنگونی رژیم خمینی و بازسازی ایران آزاد و دموکراتیک و مستقل" بوده و می‌باشد. دقیقا بهمین دلیل از آنجا که کلمات دموکراسی و استقلال برای شورای ملی مقاومت ایران کلمات رنگ باخته‌ای نبودند، این شورا در بیانیه‌ها و موضعگیریهای خود پیوسته تصریح کرده است که چه با خط "استحاله رژیم خمینی" وجه حتی با خط "مذاکره" با این رژیم ضد بشری، در یک چارچوب نمی‌گنجد. بنا بر این چه خوب بود که آقای تهرانی و دوستانش صراحتا نام می‌بردند که منظور از آن "نیروها و شخصیت‌های ملی و مترقی" که سیاست حاکم بر شورا معطوف به حذف آنها بوده چه کسانی هستند؟

البته باید خاطر نشان نمود که آقای تهرانی از آغاز با شعار "اتحاد سزرگ" خواستار جذب عناصری از قبیل مدنی بود و بطرق مختلف در این مسیر می‌کوشید تا بقول خود "با امید به تغییر" سیاست شورای ملی مقاومت، "زمینه مناسبی برای اشکلاف وسیع در شورا فراهم آورد". لکن انتشار نامه‌های بنی‌صدر و مدنی به خمینی و رفتن حانی و ساسیه ۲۳ مرداد ۱۳۶۲ شورا، به خواستنی از قبیل حزب مدنی فاطما به پایان داد و آقای تهرانی که در جلسه ۲۳ مرداد ۱۳۶۲ شورا غایب بود روز ششم ۲۷ مرداد ۱۳۶۲ به دیدار مسئول شورا آمد، بیانیه شورا را امضا نمود و از روابط خود با مدنی و تلاش نا فرجام بمنظور وارد نمودن یک چنین عنصر ضد دموکراتیک و وابسته‌ای

است، ادعای تازه‌ای نیست، مدتهای مدیدی است که هم‌فدا انقلاب مغلوب و هم آقای بنی‌صدر و روزنامه‌ها شرافکاران این دروغ بزرگ را تکرار می‌کنند...

در همین بیانیه نماینده شورای متحد چپ نیز بر این حقیقت صحه گذاشته بود که در شرایط مبارزاتی کنونی انتخاب سیاسی اساسی همانا "انتخاب بین خمینی و شورا - یا خمینی و مجاهدین -" است و آنانی که در این انتخاب رودر روی شورا قرار می‌گیرند خواه‌ناخواه استقبال طرف دیگر و نیز شادمانی بقایای رژیم‌شاه و حامیان بین‌المللی آنان را برمی‌انگیزند (نقل به معنا).

اما از نظر حقوقی و گردش کار شورانیز، ضوابط و مقررات مربوطه با امضاء و تصویب دسته‌جمعی (منجمله با امضای نماینده شورای متحد چپ) تهیه و تدوین شده است و تا این تاریخ یک نمونه هم وجود ندارد که شورای متحد چپ اعلام نقض ضابطه و پشت پا زدن به مقررات و آئین نامه‌های شورایی را در جریان گردش کار شورا نموده باشد. به عبارت دیگر روابط شورایی از ضوابط مصوب شوراناشی شده است. حال اگر بفرض حال این ضوابط "غیردموکراتیک" است، بهتر بود نماینده شورای متحد چپ از آغاز آنرا امضاء نمی‌کرد. والا از تاریخ تصویب و انتشار بیانیه ۶ مهرماه ۱۳۶۳ شورای ملی مقاومت تا تاریخ استعفای شورای متحد چپ، ۶ ماه و چند روز بیشتر نمی‌گذرد و در این فاصله جز مذاکرات حزب دمکرات با رژیم خمینی، چیز دیگری خلاف رویه معمول شورا واقع نشده است.

وانگهی اگر آقای تهرانی و دوستانش قصد ویارای دفاع از مذاکرات سیاسی حزب دمکرات با رژیم خمینی و محکوم و ممنوع نشناختن چنین مذاکراتی را در حال و آینده می‌دانستند بهتر بود غیبت نمی‌کردند و به جلسه شورا که از دو هفته پیش دعوت شده بی‌بودند می‌آمدند، حرفشان را هم می‌زدند و از حقوق

مخالفت و وتوی خود نیز در قطعنامه‌هایی شورا استفاده می‌کردند تا اگر به جدایی از شورا نیز منجر می‌شد، برای افکار عمومی چیزی پوشیده و در ابهام باقی نمی‌ماند. نه اینکه پس از اطلاع از قطعنامه شورا در این باره استعفا نامه خود را - آنهم بتاریخ ۵ روز قبل - ارسال دارند!

۳- اطلاعیه استعفای "شورای متحد چپ" مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۶۴ "چگونگی فعالیت سیاسی، داخلی و خارجی و تبلیغاتی سازمان مجاهدین خلق ایران را به زیر علامت سؤال کشیده و آنرا باعث "انفراد" شورای ملی مقاومت در افکار عمومی و عامل "وقفه" در "امر مهم گسترش و تقویت شورا" خوانده است...

در این مورد از مسئول شورا آقای مسعود رجوی سؤال نمودیم. پاسخ این بود: "انتقاد اعضای شورا بیکدیگر از جهات مختلف البته کاملاً مجاز و مبین ماهیت و طرز عمل دموکراتیک شورای ملی مقاومت به مثابه تنها آلت‌تربا نبود دموکراتیک برای رژیم ضد بشری خمینی است. اما هیچ‌یک از اعضای شورا التزام نپذیرده که فعالیت سیاسی و تبلیغاتی و داخلی و خارجی خود را آنچنانکه یک عضو دیگر مایل است تنظیم کند و اصولاً یک چنین انتظاراتی در زمینه توقعات بیجا و کاملاً غیردموکراتیک و بدور از طرز عمل شورایی است. زیرا هیچکس در شورا نمی‌تواند تسلیم و اراده خود را برخلاف مصوبات و التزامات دسته‌جمعی بپذیری تحمیل کند. مگر اینکه یکی از اعضای شورا نقض التزام کرده باشد که در این صورت موضوع را بایستی با مورد و نمونه مشخص آن به شورا ارائه داد تا پس از بحثهای لازم در جلسه شورا - که بالاترین مرجع تصمیم‌گیری و اداره امور است - مورد تصویب و امضای شورا قرار گیرد. حال اگر بعضی مابطه و مصوبه شورا انجام گرفته باشد و عضو مربوطه التزامش را نقض کرده باشد، تکلیفش را شورا بنحوی مفروضی معین خواهد نمود. والا

اگر مصوبات و التزامات شورایی نقض نشده باشد، دیگر در چارچوب شورایی نمی‌توان از کسی ابراد گرفت.

۴- شایان تذکر است که بدیال انتشار اطلاعیه استعفاي شورای متحدچپ، برخی مسئولان این شورا که از گذشته نیز نمایندگی آقای تهرانی در شورای ملی مقاومت را مشروط به تبعیت او از ضوابط اخص گروهی خود می‌دانستند، مویسایه عملکرد اخیر آقای تهرانی و دستاویزش در قبال شورای ملی مقاومت و معنادار استعفای او به مروطه اعتراض نموده و آنرا سی اعتبار و فاقدا حالت شمردند. انستاد انسان به یک سری مدارک و شواهد بویژه به نامه ۴ خرداد ۱۳۶۳ "مسئولین شورای متحدچپ برای دموکراسی و استقلال - تهران" خطاب مسئول شورای ملی مقاومت و اطلاعیه ۱۳۶۳ / ۲ / ۲۵ "مسئولین شورای متحدچپ برای دموکراسی و استقلال - تهران"، "برای چاپ در نشریه محاهد" بود که سرانجام پس از چند ماه ناخیر و پس از اطلاع شفاهی که از کمال دیگری به مسئول شورا داده شده بود در تاریخ ۱۳۶۳ / ۵ / ۲۷ توسط خود آقای مهدی خاسیاسا تهرانی به مسئول شورا تسلیم گردید و البته انتشار آنها دیگر ممنوعیتی نداشت.

با ایلحه اخلایه شورای ملی مقاومت که در روزهای ۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴ در پاریس برگزار گردید پس از ملاحظه استعفای او به شورای متحدچپ و همچنین پس

از اطلاع از معادله‌های اعتراضی برخی اعضاء و مسئولان این گروه (در بباره استعفای او به مزبور) با تاسف از عملکرد آقای تهرانی و دستاویزش، از دخالت در امور داخلی شورای متحدچپ پرهیز نموده و دبیرخانه شورای ملی مقاومت را به انتشار اطلاعیه توضیحی برای در جریان قرار دادن افکار عمومی موظف ساخت.

در خاتمه همچنانکه در بیانیه ۲۱ فروردین ۱۳۶۳ شورای ملی مقاومت (ار جمله با اعمای آقای تهرانی بعنوان نماینده شورای متحدچپ) آمده است یکبار دیگر تکرار می‌کنیم که:

"شورای ملی مقاومت سعیر سیاستی نداده و همچنان بر سر مواضع اصولی خود استوار است و اسیب و اعنای آن کماکان بر السرام خود در قبال برسانه شورا و دولت موقت و سایر مصوبات و طرحهای شورا تاکید می‌ورزند و در آینده نیز با گامهای استوارتر در چارچوب همین مواضع - که در واقع مواضع انقلاب ایران است - به پیش خواهند رفت. همگان می‌دانند که اکثریت عظیم شهیدا و زندانیان جنبش رها شیبخش مردم ایران به این شورا تعلق دارند و شورای ملی مقاومت تا کنون کز افتترین خونبهای ممکن را در میدان عمل برای آزادی، استقلال، حاکمیت مردمی و عدالت اجتماعی در ایران پرداخته است."

دبیرخانه شورای ملی مقاومت

۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۶۴

اخبار ایران

۴ اسفند: بیش از دو هزار نفر از کارگران کارخانه فرش ماشینی راونسد کاتان در اعتراض به خودداری رژیم از پرداخت عیدی و حق بهره‌وری کارگران و نیز قطع عرصه کارگران بطوریکه چاره دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب دو هفته طول کشید.

۵ اسفند (۸۵/۲/۲۴): میرحسین موسوی در دیدار با شرکت کنندگان سمینار روابط عمومیهای مرکز در رابطه با نقش مطبوعات گفت: "حساسیت برخی از مسئولان مانع است به کار مطبوعات و رسانه‌های گروهی بسیار باشین است، حال آنکه این رسانه‌ها می‌توانند برای آگاه کردن مردم از برسانه‌های انقلاب و جلب حمایت آنها و ماسوس کردن خدا انقلاب نقش اساسی بسز عهده‌دانشه باشند. مسئولان روابط عمومی باید حساسترین و آگاهترین افراد نسبت

به ما هستند..."

۶ اسفند (۸۵/۲/۲۵): نژادحسینیان وزیر سابق راه و ترابری رژیم در رابطه با کمبود اعتبارات بودجه این وزارتخانه گفت: "برای بسیاری از دستگاه‌های اجرایی کشور و مخصوصاً در راه و ترابری اعتبارات تخصیص یافته، کمتر از توان اجرایی است... با توجه به این اعتبارات کم (باید حدود ۳-۴ هزار کیلومتر از راه‌های در دست اجرا را تعطیل کنیم و یا سرعت کارها را کم کنیم... و این در مورد خیلی از دستگاه‌های اجرایی کشور صادق می‌باشد... ضرر تعطیلی کار چهار رینج هزار کیلومتر راه و حدود ۱۰۰۰ پیمانکاران که باید تا همین شود... ما به این پیمانکاران ماشین آلات داده ایم تا در معادل ۵ سال برای ما کار کنند. حال ما با این ماشین آلات چکار کنیم؟... این زحمات در حال نابودی است..."

در همین رابطه غفوری فرد وزیر نیروی رژیم گفت: "نتیجه تخصیص ندادن اعتبار لازم برای سرمایه‌گذاری، تعطیلی بعضی از پروژه‌ها (است) و... حدود ۵۵ هزار روستای

حقوق بشر تقاضا کرده که برای خاتمه دادن به نقض حقوق بشر در ایران کلیه اقدامات لازم را صورت دهد. این سازمان در گزارشی که در اختیار نمایندگان گذاشته شد بطور مفصل به اشکال شکنجه‌ای که در رژیم خمینی بکار گرفته می‌شود اشاره کرده و در ضمن رقم ۵۸۰ اعدام در سال ۸۴ را خیلی کمتر از میزان واقعی می‌داند چرا که تعداد زیادی از اعدامها بطور مخفی صورت گرفته است. اکثر شواهدی که بدست سازمان عفو رسیده به کمک پزشکی که تعداد زیادی از قربانیان شکنجه را معاینه کرده‌اند، بوده است.

۱۲ اسفند (۸۵/۳/۳): منتظری در رابطه با انعکاس اخبار جنایتهای رژیم در جهان گفت: "امروز تمام بوقهای تبلیغی استعمار و مجامع باصطلاح بین‌المللی... هر روز بشکلی علیه ما تبلیغ می‌کنند و به بهانه دفاع از حقوق بشر... برای اعدام و مجازات چند تروریست در ایران... چه سروصدایی بسه راه می‌اندازند..."

۱۹ اسفند (۸۵/۳/۱۰): خمینی در دیدار با وزیر اطلاعات رژیم و دیگر کارگزاران این وزارتخانه در رابطه با اطلاعات و امنیت گفت: "... مطلب دیگری که اهمیت دارد این است که تمام کسانی که در این وزارتخانه هستند باید در هیچ گروه و حزبی نباشند. وابستگی به گروهها و وابستگی فکری و عملی می‌آورد و این با کار شما منافات دارد باید همه شما بی طرف بی طرف باشید... دقت در امور برای شما لازم است. چرا که با امثال منافقین و گروههای دیگر سروکار دارید. باید دقت کنید امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد..."

۲۴ اسفند (۸۵/۳/۱۵): به هنگام برگزاری مراسم نماز جمعه در دانشگاه تهران و در حالیکه خامنه‌ای مشغول ایراد خطبه بود

بی برق وجود دارد... ما نمی‌توانیم تمام سرمایه‌گذاری برای تولید، انتقال و توزیع را از این افراد مستضعف بگیریم و نمایی توانیم بگوییم که شما اگر برق می‌خواهید، باید ۲۰ برابر هزینه قبل را بپردازید..."

۶ اسفند (۸۵/۲/۲۵): ناطق نوری وزیر کشور خمینی در رابطه با کمبود بودجه گفت: "با پدیده‌ای که حرکت شود که خدای ناکرده کل نظام و کشور با مخاطراتی روبرو شود... من اقبال از سفرهای کم کرده‌ام. زیرا هر جا که می‌رویم صدتا خواسته به ما می‌دهند، اولی را می‌گوییم نمی‌شود، دومی را می‌گوییم نداریم، سومی را می‌گوییم آخر امکان ندارد... کسی که به آنجا می‌رود در پیشنهادات مردم حداقل، بایستی به یکی از پیشنهادات پاسخ مثبت بدهد..."

- در همین رابطه جزایری گفت "مادر سال ۶۴، برای توسعه شبکه بهداشت و درمان ۲۵۰ میلیون تومان بودجه پیشنهاد کرده بودیم و حتی پیش‌بینی ساخت خانه بهداشت هم در این رقم نیا مده است، زیرا ما با کمک روستائیان می‌خواستیم این محل را فراهم کنیم. ولی این رقم در کمیسیون بسسه ۵۰ میلیون تومان کاهش پیدا کرده است..."

۱۱ اسفند (۸۵/۳/۲): در مراسم سالگرد شهادت مجاهد شهید فاطمه کنگجیان که در رودسر برگزار گردید جمعیت کثیری از خانواده‌های شهدای رودسر و نیز لاهیجان، سیاهکل و آستانه شرکت کرده بودند. پس از مدت کوتاهی چند واحد از افراد کمیته‌های لاهیجان - سیاهکل و آستانه به مراسم یورش برده و پس از ضرب و شتم شرکت کنندگان ۲۵ نفر از آنان را که عمدتاً از مادران شهیدان بودند دستگیر کردند.

۱۱ اسفند (۸۵/۳/۲): سازمان عفو بین الملل از چهل و یکمین اجلاس کمیسیون

بمبئی منفجر گردید که طی آن ۱۴ نفر کشته و ۸۸ تن زخمی گردیدند.

۲۶ اسفند (۸۵/۳/۱۷): خمینی در دیدار با هیئت بررسی و عفو زندانیان، مرکب از ابطیحی، کریمی، محمدی گیلانی و قاضی از جمله گفت: "مطلبی را که باید تذکردهم اینست که همه ما با احتیاط را بطور کلی مراعات کنیم... ولی این اسباب آن نشود که کسانی که کارند به سزای اعمالشان نرسند. دیدید که منافقین در دانشگاه چه کردند، همه می‌گویند آنهایی که آدم کشته‌اند، باید مجازات شوند، البته من هر وقت هر حرفی را می‌زنم هر کس بر طبق سلیقه خود از آن برداشت می‌کند، هر کس هر چه می‌خواهد می‌گوید، شما به کارتان ادامه دهید..."

۲۷ اسفند (۸۵/۳/۱۸): به گزارش خبر- گزاریه‌ها مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق از پرزده و کوشیلارد بیکر کل سازمان ملل خواسته است برای نجات زندانیان سیاسی ایران که گفته می‌شود با مجازات اعدام روبرو هستند، اقدامی بعمل آورد. در اعلامیه مجاهدین خلق که از سوی دفتر این سازمان در پاریس انتشار یافته است گفته شده که رژیم خمینی در نظر دارد نزدیک به ۲۰۰۰ تن زندانی سیاسی را طی هفته‌های آینده اعدام کند و سپس با اعلام اینکه این افراد در حملات عراق کشته شده اند برای این اقدام سرپوش گذارد.

۱۰ فروردین (۸۵/۳/۳۰): به گزارش رادیو بی‌بی‌سی پس از مدت‌ها مذاکره سرانجام بین دولت ایران و کارخانه اتومبیل سازی تالبوت بریتانیا، توافقی برای یک معامله پای پای به ارزش سالانه ۱۵۰ میلیون لیره استرلینگ صورت گرفته است. بر اساس این توافقنامه، کارخانه تالبوت سالانه ۸۰ هزار واحد قطعات پینسرفتسه اتومبیل پیکان به کارخانه ایران-

ناسیونال تحویل خواهد داد. شرایط پرداخت بهای این قرارداد بر اساس قرارداد قبلی یعنی پیش پرداخت نفت بوسیله اعتبارنامه‌های ارزی می‌باشد. بر اساس قرارداد حاضر، نفت خام ایران از طریق شرکت ثالث که شرکت نفت آلمان غربی است در ازاء قطعات از پیش ساخته اتومبیل پیکان معامله می‌شود. ارزش این قرارداد بزرگترین قلم صادرات اتومبیل بریتانیا را تشکیل می‌دهد و بیش از یک سوم کل فعالیت تالبوت می‌باشد. در همین رابطه تالبوت بیش از ۱۰۰۰ کارمند خود را با ردیگر بکار گرفته است.

۱۲ فروردین (۸۵/۴/۱): سازمان عفو بین الملل با نشر گزارش چهار صفحه‌ای درباره وضعیت زندانیان سیاسی در ایران می‌گوید که شکنجه همچنان در زندانهای ایران ادامه داشته و تصویر زندانهای ایران تکانه‌دهنده و وحشت‌آور است. این گزارش خیر از اعدام مخفی و سرکوب مخالفان در سرتاسر ایران دارد و می‌گوید بسیاری از این اماکن (شکنجه‌گاهها) همان مکانهایی است که در زمان شاه، ساواک به همین منظور آنها را مورد استفاده قرار می‌داد.

۱۷ فروردین (۸۵/۴/۶): رفسنجانی در دیدار با ژان پرن کاردار سفارت فرانسه، در پاسخ به اظهارات وی مبنی بر آمادگی کشورش جهت حل کلیه اختلافاتش با ایران گفت: "فرانسه موقعیت بدتری نسبت به آمریکا برای ایران داشته است."

۲۰ فروردین (۸۵/۴/۹): وزارت فرهنگ و آموزش عالی رژیم اعلام نمود که "بمنظور ایجاد تسهیلات لازم برای ثبت نام از رزمندگان در جبهه‌های سرد، نمایندگان خود را به جبهه‌ها اعزام خواهد کرد و نمایندگان همکاران نمایندگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران

ریال هزینه داشته در صورتیکه در سال ۶۴ به ۶۲ میلیارد ریال افزایش پیدا کرده . ژاندارمری ۲۰ میلیارد در سال ۵۶ هزینه داشته در صورتیکه در سال ۶۴ به ۷۷ میلیارد افزایش پیدا کرده . بعد از انقلاب دوقوه انتظامی نیز اضافه کردیم یکی کمیته و دیگری سپاه که ۱۵ میلیارد بودجه کمیته و ۱۲۲ میلیارد بودجه سپاه است مجموعاً یک مقایسه‌ای بخواهیم بکنیم آن نیرویی که اختتام داده می‌شود بعنوان قوه انتظامی ۲۸۳ میلیارد ریال در سال ۶۴ است و در سال ۵۶ فقط ۵۲ میلیارد است ."

۲۸ فروردین (۸۵/۴/۱۲): سپاه پاسداران منطقه مرکزی طی اطلاعیه‌های از کلیه داوطلبان اعزام به جبهه و اعزام مجدد دعوت کرد . به منظور اعزام به منطقه گردستان برای مقابله با ضدانقلاب و عوامل استکبار جهانی ! حداکثر تا روز یکشنبه اول اردیبهشت ماه به واحد بسیج تهران و پایگاه‌های تحت پوشش این منطقه مراجعه کنند .

۳۰ فروردین (۸۵/۴/۱۹): به گزارش خیرگزاریه‌ها رژیم خمینی برای نخستین بار بطور رسمی علیه جبهه یا سرعرفات در سازمان آزادیبخش فلسطین موضعگیری نمود . همین گزارش حاکیست هنگامیکه یا سرعرفات برای سخنرانی ، در کنفرانس کشورهای غیر متعهد که در دهلی جریان داشت ، به پشت تریبون دعوت شد ، نمایندگان رژیم خمینی ، حزب بعث سوریه و دولت لیبی به حال اعتراض سالن کنفرانس را ترک گفتند و پس از پایان نطق طولانی وی به سالن بازگشتند .

۳۰ فروردین (۸۵/۴/۱۹): کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (C.G.T.) از سازمانهای خود دعوت نمود تا در چارچوب یک هفته همبستگی از ۲۴ تا ۳۰ آوریل

در کلیه قرارگاه‌های عملیاتی حتی در سکر از واجدین شرایط ثبت نام کنند ."

۲۲ فروردین (۸۵/۴/۱۱): بهزاد نسوی وزیر صنایع سنگین رژیم طی یک سخنرانی درباره وضعیت کنونی صنایع کشور گفت : "... مادر همه صنایع و اسنهایم حتی در حوجه کشی ... " ایران خودرو " در سالهای ۵۹ و ۶۰ حدود ۲ میلیارد تومان ضرر داده است و حفظ وضع موجود منطقی نیست . وضع موجود را باید به وضع مطلوب تغییر داد ، و راحت‌ترین روش در این مسیر خرید دانش فنی است . می‌شود تعارض بدهیم ... اما باید تحلیل واقعی داد . ما از این مصاحبه‌ها در رادیو - تلویزیون زیاد می‌بینیم که ما بدون کمک حتی یک نفر خارجی ، صنعت خود را افلان می‌کنیم . دروغ است ! ما برای نصب هر ماشین خارجی ، حتماً باید متخصص نصب آن را هم از خارج بخواهیم وگرنه نمی‌توانیم نصب کنیم ..."

۲۷ فروردین (۸۵/۴/۱۶): خمینی در دیدار با وزیر فرهنگ و آموزش عالی و معاونین این وزارتخانه گفت : " امیدوارم که احساس کرده باشید که همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است ."

۲۸ فروردین (۸۵/۴/۱۲): در جلسه "شورای عالی انقلاب فرهنگی" که با حضور خامنه‌ای تشکیل شد ، هاشمی رفسنجانی به سمت نایب رئیس و هاشمی گلپایگانی به سمت دبیر "شورای عالی انقلاب فرهنگی" انتخاب شدند .

۲۸ فروردین (۸۵/۴/۱۲): نادی نماینده مجلس خمینی در رابطه با افزایش بودجه قوای انتظامی گفت : "قبل از انقلاب قوه انتظامی که مسایل را در کشور کنترل می‌کرد نهریایی و ژاندارمری بودند . شهریایی در سال ۵۶ از نظر بودجه‌ای ۲۲ میلیارد

نکنند در مقابل مسایل مربوط به فحشا و منکرات گفتم به وقت اگر گروهکهای سیاسی بخواهند شرارت کنند، تحریکات کنند تحت عناوین مختلف، بیان توی خیابانها و مردم را دچار آزار و اذیت بکنند، نه اینجا گروههای حزب الهی خواهند آمد و با بدهم بیایند و با اینها مقابله بکنند.

۴ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۴): وزیر بهداشتی رژیم خمینی در سمینار "بررسی مسایل و مشکلات پزشکی" که از ۴ تا ۷ اردیبهشت ماه جاری در تهران برگزار شده بود، عذرآف نمود که در حال حاضر برای هر ۷۵۰۰۰ نفر مردمی که در نقاطی غیر از تهران بسر میبرند، تنها یک پزشک وجود دارد.

۴ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۴): خمینی در دیدار با سران رژیم و ارتش و سپاه که بمناسبت میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار در جماران گرد آمده بودند در رابطه با وحدت بین سپاه و ارتش از جمله گفت: "... اگر شما دیدید که یک وقت زمزمه این معنی پیدا شد که ارتش باید ارتشیش را حفظ کند، آنهم بگدسپاه باید سپاهیش را حفظ کند، از اول خفه کنید اینرا، نگذارید... اگر یک روزی خدای نخواسته این رمز پیروزی (اخوت و وحدت) از شما گرفتند دیگر برای شما چیزی باقی نمی ماند، محتاج به اینکه خیلی قدرت اعمال بشوند. یک کسودای کوچکی از یک منافقی، از یک چیزی کنار را تمام می کند..."

۹ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۹): مرتضی مقتدایی سخنگوی شورا یعالی قضایی رژیم طی مباحثه ای گفت بدنبال باجرا در آمدن قانون قصاص در ایران طی ۹ ماه گذشته دستهای ۵ سارق بدستور دادگاههای شرع قطع گردیده و دو نفر بجرم زنا سنگسار شده اند. وی همچنین اظهار داشت که طی همین مدت ۱۶۰ نفر بعلت ارتکاب جرائم

حمایت خویش را از کارگران ایرانی ابراز کنند. این کنفدراسیون معتقد است که ایران در حال حاضر کشوری است درجهان که در آن حقوق بشر به شدیدترین صورت ممکن نقض می شود. این کنفدراسیون همچنین جنگ ایران و عراق را خونبار و احمقانه خوانده و آنرا محکوم نموده است.

۱ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۱): هاشمی رفسنجانی در دیدار با گروهی از اعضای سپاه که پس از پایان دوره های آموزشی عازم کردستان هستند گفت: "ما می دانیم یکی از کارهای مشکل جنگ در کردستان است، بدلیل آنکه در آنجا بطور وضوح شما با دشمن خارجی متجا و زرو برو نمی تید، آنها یکسره در کردستان با شما طرف هستند خیانتکارهایی هستند که از امکانات کشور استفاده می کنند و همان کارهای عراقیها و بلکه بدتر از آن را انجام می دهند."

۲ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۳): بدنبال موج حرکت های فالانژی و سرکوبگرانه مزدوران خمینی تحت عنوان "مبارزه با بی حجابی" در تهران و دیگر شهرهای کشور، خائنه های طی مباحثه ای منجمله گفت: "... طبیعی است که مردم (!) آنها را دوست نمی دارند و قبول نمی کنند. ما هم دوست نداریم، ما هم قبول نمی کنیم، مردم هم قبول نمی کنند، ما هم تحمل نمی کنیم، مردم هم تحمل نمی کنند..." وی در رابطه با تظاهرات ضد حجاب، حزب اللهیها از جمله گفت: "... اینکارها مورد قبول نیست و ما فکرمی کنیم این کار حزب اللهیهای ما نیست. کار گروههاست. البته یک دفعه ممکنه یک جوان حزب اللهی یا انگیزه هم تحت تاثیر احساسات قرار بگیره و توجه نکند این هم اشتباهه کند... به همه خواهان و برادران اطلاع می دهم از امروز این تظاهرات بایستی انجام نگیرد. اینکه گفتم مردم نریزند توی خیابان تظاهرات

مختلف به مجازات شلاق محکوم گردیده اند و یک مرد به اتهام لواط سنگار شده و بهلاکت رسیده است .

۱۲ اردیبهشت (۸۵/۵/۲): به گزارش رویتر رئیس دانشگاه تهران، بهمن یزدی صدی که ۱۴ ماه پیش به این سمت منصوب شده بود در اعتراض به فعالیت دانشجویان حزب - اللهی که قصد دارند مدیریت دانشگاه مسلط شوند از سمت خویش کناره گیری نموده است .

۱۴ اردیبهشت (۸۵/۵/۴): روزنامه "تایمز" چاپ لندن گزارش داد که نقض سهمیه بندی تولیدی نفت از سوی بعضی از کشورهای عضو اوپک، نگرانی این سازمان و اعضای آن را برانگیخته است . بر اساس همین گزارش دولت ایران تصمیم گرفته است تا ۲۰۰ هزار بشکه نفت را به ژاپن در چارچوب نرخهای بازار آزاد بفروشد .

۲۲ اردیبهشت (۸۵/۵/۱۲): در انفجار بمبی که امروز در خیابان ناصر خسرو در مرکز تهران روی داد ۱۵ نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند .

جنگ ایران و عراق

۲ اسفند (۸۵/۲/۲۱): اکرمی نماینده مجلس خمینی گفت: "اگر هزینه های جنگ بطور مستقیم و غیر مستقیم که حدود ۱۰۰ میلیارد تومان است، وجود نداشته ، می توانستیم به کارهای اساسی دیگری پردازیم ."

۲ اسفند (۸۵/۲/۲۱): به گزارش رادیو اسرائیل، در یک گزارش اطلاعاتی بسیار سری که به دولت واشنگتن تسلیم گردید،

گفته شده که لیبی و سوریه به رژیم خمینی، موشکهای "سام" روسی می دهند تا علیه هواپیماهای مهاجم عراقی بکار گیرد . بنا بر این گزارش موشکهای "سام" از لیبی به تهران فرستاده شده و کارشناسان سوری، سربازان ایرانی را برای بکار بردن آنها تعلیم می دهند .

۳ اسفند (۸۵/۲/۲۲): ریچارد برن، دستیار وزیر دفاع آمریکا که در کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا سخن می گفت، اظهار داشت: دولت یونان به رژیم خمینی اسلحه می فروشد .

۴ اسفند (۸۵/۲/۲۳): رسانه های خبری فرانسه گزارش دادند که ژاک شیراک، رییسوندیبار، پیربرسی و حدود یکصد تن از احزاب U.D.F. و R.P.R. در پارلمان و شخصتهای دیگر فراخوانی به نفع اسرای جنگی عراق در ایران به امضا رساندند .

۱۲ اسفند (۸۵/۳/۳): دولت عراق اعلام داشت که حمله علیه کشتیها و نفتکشهای لیبی که عازم بنادر ایران هستند ادامه خواهد یافت و در صورت وقوع تلفات جانی یا زیانهای مالی، مسئولیت آن متوجه شرکتهای کشتیرانی خواهد بود .

۱۳ اسفند (۸۵/۳/۴): روزنامه کار دیسن چاپ لندن نوشت که در ایران ۱۶۰ سرباز به حرم حاسوسی، تهر، تبلیغات سوء در میان پرسنل ارتش و فرار از جبهه ها اعدام شده اند . همین روزنامه به نقل از سندی گزارش داد که به گفته دبیر شورای عالی دفاع رژیم خمینی از آغاز جنگ ایران و عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ تا کنون ۲۵ هزار نفر از خدمت در جبهه ها عراق ر کرده اند .

۱۴ اسفند (۸۵/۳/۵): در جلسه مجلس خبری شورای امنیت برای بحث بر امور مربوط

اسیران جنگی ایران و عراق، وزیر خارجه عراق، خواستار گردید و کشور به مذاکله اسیران بپردازد و برای اس کار، سک جدول زمانی متبرک تنظیم کند. ساسده رژیم خمینی در سازمان ملل در پاسخ کعب به دستور دولت خود این پیشها در اساکمون جدیدار وار جمله درنا مه روز قبل به دبیرکل سازمان ملل رد کرده است.

۱۴ اسفند (۸۵/۳/۵): وزیر خارجه کوبیت ار کشورهای جهان خواستار بند رژیم خمینی را برای پایان سختیدن به جنگ ۵۳ ماهه عراق زیر بار قرار دهد.

۱۵ اسفند (۸۵/۳/۶): بدسال کلولدباران بند بر سه نوبط ارتش رژیم خمینی، ارتش عراق ضمن انتتار سبادهای اعلام دانست که ۳۰ شهرا ایران را بانند و قدرت در هم خواهد کوبید.

۱۶ اسفند (۸۵/۳/۷): دفتر محاهدین خلق درباریس اعلام نمود که رژیم خمینی در نظر دارد در روزهای آینده حمله بزرگی را در جنبه جنوبی محور "طلایه" تا "بستان" (حوالی جزیره مجنون) علیه عراق آغاز کند.

۱۶ اسفند (۸۵/۳/۷): بدسال آغاز حملات توپخانه های ایران و عراق به شهرهای یکدیگر، هاشمی رفسنجانی با اشاره به ادایه اینگونه حملات گفت جمهوری اسلامی چاره ای ندارد جز آنکه مقابله به مثل را در خدا علا انجام دهد.

۱۷ اسفند (۸۵/۳/۸): در رابطه با بیماران و گلوله باران غیرنظامیان دو کشور ایران و عراق توسط نیروهای طرف مقابل، مسئول شورای ملی مقاومت با انتشار اطلاعدهای هرگونه بیماران و گلوله باران غیرنظامیان و شهرها و روستاهای بلا دفاع، کشمارو آسیب رسانی به مردم بیگناه، اخبار سو-

حوانان و پسران به شرکت در جنبه های جنگ، شکنجه، اعدام و بفض حقوق اساسی اسرای جنگی و هرگونه اقدام دیگری را که مطابق معاهدات بین المللی نرتحریم ویسا ممنوع اعلام شده است، حدار جانب عراق وجه از جانب رژیم خمینی سبب محکوم نموده و خواستار قطع فوری آنها گردید.

۱۸ اسفند (۸۵/۳/۹): براساس تبصره ۹ بودجه، کلیه وزارتخانه ها مکلفند در صورت درخواست شورای عالی دفاع طرحهای مصوب آن شورا را در اولویت قرار داده، افراد و تجهیزات خود را در اختیار عطلیات جنگی فرار دهند. در صورت ضرورت ساس تصویر شورای عالی دفاع، وزارتخانه های راه و سراجری، کشاورزی، سک و شهر-ساری، جهاد سازندگی و سابع سکسی مکلفند تا ۲۰ درصد از بودجه عملیاتی خود را به جنگ اختصاص دهند.

۲۱ اسفند (۸۵/۳/۱۲): شهر تهران پس از ۵۳ ماهی که از آغاز جنگ ایران و عراق می گذرد امروز برای نخستین بلسار هدف بمباران هواپیما های عراقی قرار گرفت. هواپیما های عراقی برای نخستین بار به شهر قم نیز حمله کرده دیوار صوتی را شکستند ولی از بهر تا بسبب خودداری نمودند.

۲۱ اسفند (۸۵/۳/۱۲): آقای طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق به همراه هیئتی از طرف جامعه عرب که ریاست آن را شاذلی-کلبی بعهده دارد، امروز صبح با فرانسوا-میتران ملاقات نمود. این هیئت وظیفه دارد اقداماتی برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق بعمل آورد.

۲۲ اسفند (۸۵/۳/۱۳): وزیر امور خارجه عراق، آقای طارق عزیز طی یک مصاحبه تلویزیونی با کانال ۳ فرانسه اظهار داشت: "اگر طرف مقابل حاضر باشد، عراق آماده صلح است. ما برای طرف مقابلمان

شرطی قرار نمی‌دهیم. اینکه فی‌المثل رژیم خود را حفظ کنند یا خیر مسئله خودشان است. ما حاضریم چه با رژیم کنونی و چه با هر رژیم دیگری ایرانی به صلح برسیم. ما می‌تیم روابط حسن همجواری با ایران داشته و بنا بر این هما به خود به یک صلح طولانی مدت برسیم. تصمیم‌گیری به‌عهده ایرانیان است.

۲۲ اسفند (۸۵/۳/۱۳): خبرگزاری رژیم خمینی گزارش داد که برای نخستین بار شهر رشت هدف بمبارانهای هواپیماهای عراقی قرار گرفت. با این حمله عملاً بیش از نیمی از خاک ایران در معرض حمله هوایی عراق قرار گرفته است.

۲۵ اسفند (۸۵/۳/۱۴): رژیم خمینی ادعا کرد که برای نخستین بار شهر بغداد را هدف موشکهای خود قرار داده است.

۲۶ اسفند (۸۵/۳/۱۷): امروز در سزدهمین روز جنگ شهرهای ایران و عراق، دولت عراق طی بیانیهای سراسر حریم هوایی ایران را منطقه جنگی اعلام نمود و دو سه ترکمنهای هواپیمایی خارجی توصیه نمود از پرواز بر فراز ایران خودداری نمایند. بدینسان این بیانیه رژیم خمینی تهدید نمود که در صورت قطع پرواز هواپیماهای خارجی به ایران، سایر ممالک منطقه نیز ممکن است آسیب ببینند و لذا ناامنی ساحین حریم هوایی به ایران محدود نخواهد شد.

۲۶ اسفند (۸۵/۳/۱۷): وزیر خارجه عراق طی ارسال یادداشتی فوری برای دبیرکل سازمان ملل از سازمان ملل خواستار گردید برای برقراری آتش‌بس در حمله‌های جنگ اقدام کند و مویات بازگشت نیروهای دو کشور را به پشت مرزهای بین‌المللی فراهم سازد.

۲۸ اسفند (۸۵/۳/۱۹): عراق با انتشار بیانیهای اعلام نمود که نیروهای آن کشور، قوای مهاجم ایران را در باتلاقهای هورالهبویه منهدم نموده و هجوم ایران معروف به عملیات "بدر" را با شکست کامل روبرو ساخته‌اند. اظهارات عراق در حالی است که از یک طرف کارشناسان نظامی به طرف شکست کامل ایران را تأیید نموده و گفته‌اند که سربازان ایرانی تا فاصله کمی از مرز عقب‌نشسته‌اند و از طرف دیگر مقامات رژیم خمینی درباره نبردهای هورالهبویه سکوت نموده‌اند.

۱ فروردین (۸۵/۳/۲۱): خمینی در دیدار با سربازان رژیم که بمناسبت آغاز سال نوبه جماران رفته بودند با اشاره به جنگ و عملیات "بدر" گفت: "... وقتی کاری در جهت اطاعت خداوند باشد هیچ و شکست آن فرقی با هم ندارد... وقتی خداوند می‌فرماید بروید دست ظالم را قطع کنید، اگر پس از کوشش و تلاشمان نتوانستیم دست ظالم را قطع می‌کنیم، اگر هم نتوانستیم وظیفه خود را انجام داده‌ایم..."

۱ فروردین (۸۵/۳/۲۱): به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، آقای طارق عزیز وزیر خارجه عراق روز گذشته بطور محرمانه در مکه مقامات اتحاد شوروی پیرامون جنگ ایران و عراق گفتگو کرد.

۲ فروردین (۸۵/۳/۲۲): رحاسی حراسانی سازمانده رژیم خمینی در سازمان ملل در پایان دیدار با دبیرکل سازمان ملل گفت: "ایران جاره‌ای ندارد جز آنکه به اقدامات نلافی حویانه متوسل گردد." وی افزود ایران برای مقابله به مثل محدودکافی سلاحهای شیمیایی در اختیار دارد.

۵ فروردین (۸۵/۳/۲۵): خبرگزاری ترکیه گزارش داد که رورانه بطور متوسط ۳۰۰۰ نفر

واحدهای عراقی درآمده اند دیده می‌شدند . این افسران نیروهای ایرانی را در کاربرد سلاحهای جدید تعلیم می‌دادند . همیسن گزارش حاکی از آنست که مقدار رقابلهای ملاحظه‌ای از سلاحهای ایرانی که در هور-الهویزه به غنیمت گرفته شده از سوریه به آن کشور ارسال شده بود .

۱۵ فروردین (۸۵/۴/۴) : بدنبال شکست مماحت با رژیم خمینی در عملیات "بدر" بررسیهای اولیه بویژه با توجه به تلفیات سنگین رژیم در زمان محاصره در شرق دجله در روزهای آغازتهاجم ، تلفات رژیم را ۳۰ هزار کشته و ۳۰ هزار مجروح برآورد می‌کند . در این عملیات بیش از چهل تن از فرماندهان و مهره‌های رژیم نیز به هلاکت رسیدند که از آن جمله اند عباس کریمی فرمانده لشکر محمد رسول الله ، باکری فرمانده لشکر عاشورا ، ابوعمار فرمانده سپاه مریوان و ...

۱۶ فروردین (۸۵/۴/۵) : هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه دانشگاه تهران در رابطه با جنگ گفت : " من اعتراف می‌کنم که در دوران جنگ هیچ حالتی بدتر از همین ده ، یازده روز زدن شهرها برای ما پیش نیامده که ما جنگ داریم ..."

۱۷ فروردین (۸۵/۴/۶) : به گزارش خبرگزاریها شهر تهران تا کنون ۱۵ بار در طرف ۲۴ روز گذشته ، که جنگ شهرها سن ایران و عراق آغاز شده است ، مورد حمله هواپیماهای بمب افکن عراقی قرار گرفته است .

۱۸ فروردین (۸۵/۴/۷) : خبرگزاری دولسی افغانستان گزارش داد که طی درگیریهای خونینی که اخیرا در مشهد روی داده است پاسداران رژیم خمینی ۱۰ نفر از فعالین دایه هلاکت رساننده و بیش از ۱۰۰ نفر را زخمی

ایرانی از طریق مرزبزرگان وارد ترکیه می‌شوند . مقامات دولتی ترکیه می‌گویند بسیاری از مسافران اعلام داشته اند که بعلمت گسترش جنگ از کشور خود می‌گریزند . از سوی دیگر بسیاری از رانندگان کامیونهای بی که حامل کالاهای خریداری شده از جانب ایران می‌باشند از بیم آسیب جنگی ورود خود را به ایران به تعویق می‌اندازند .

۶ فروردین (۸۵/۳/۲۶) : وزیر خارجه عراق روز گذشته در واشنگتن با جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا دیدار کرد و پیرامون جنگ ایران و عراق با وی به گفتگو پرداخت .

۱۲ فروردین (۸۵/۴/۱) : وزیر خارجه عراق آقای طارق عزیز طی گفتگو با وزیر خارجه ژاپن در توکیو پیشنهاد قطع جنگ شهرها را رد کرد و گفت آتش بس با یدهمه جانبه بوده به آغاز مذاکرات صلح بیانجامد . وزیر خارجه عراق قرار است پس از پایان دیدار از ژاپن ، رهسپار چین گردد تا موضع کشور خود در جنگ ایران و عراق را با مقامات آن کشور مورد بحث قرار دهد .

۱۴ فروردین (۸۵/۴/۳) : دبیرکل سازمان ملل متحد که قبلا تمایلش را جهت رفتن به ایران و عراق برای میانجیگری اعلام داشته بود پس از اینکه مقامات ایرانی گفتند که زمان آن هنوز فرا نرسیده که اقدامی در این سطح به منظور پایان جنگ بعمل آید ، اظهار داشت که شرایط لازم برای سفرش مهیا نیست ، اگرچه عراق مایل به سفر وی به این کشور می‌باشد .

۱۵ فروردین (۸۵/۴/۴) : هفته‌نامه "العصر" چاپ قاهره به نقل از ژنرال سلطان هانم فرمانده نیروهای عراقی در ناحیه هورالهویزه گزارش داد که در جریان عملیات بدر تعدادی سرباز و افسر سوری در بین نیروهای رژیم خمینی که به اسارت

خود ایران هستند و بخارج رفته اند و با عراق می‌زنند و دوست آمریکا هستند، آیا اینها صلاح ملت را می‌دانند؟ ما می‌دانیم که اینطور نیست... ما باید به داد ملت مظلوم عراق برسیم و به ندای آنها جواب بدهیم..."

۳۱ فروردین (۸۵/۴/۲۵): سفارت فرانسه در ایران اعلام داشت نیروی دریایی ایران در روز قبیل یک کشتی باری فرانسوی را هنگام حرکت در خلیج فارس موقوف با خنثی و آنرا مورد بازرسی فرار داده است. در ماههای اخیر ناوگان دریایی ایران دو بار سیزکشتیهای کویتی را در حوضی سلاحهایی که برای عراق فرستاده می‌شود در نزدیکی بنگه هرمز مورد بازرسی قرار داده است.

۱ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۱): رئیس جمهور عراق یک پیشنهاد چهار ماده‌ای برای پایان بخشیدن به جنگ با ایران را ارائه نمود.

۲ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۲): دومین کنفرانس اسلامی یا شرکت بیست و سه نفر از ۳۰۰ روحانیون کشورهای عربی و اسلامی بجهت منظور رسیدگی به جنگ ایران و عراق در بغداد گشایش یافت.

۲ اردیبهشت (۸۵/۴/۲۲): شریف‌الدین پیرزاده دبیرکل کنفرانس کشورهای اسلامی اعلام کرد کمیسیون میانجیگری این سازمان نادره و هیئت دیگری حمله‌ای در حمله تشکیل خواهد داد تا طرح ناره‌ای تاکنون منظور نشده کند.

۱۱ اردیبهشت (۸۵/۵/۱): مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل در رابطه با جنگ ایران و عراق گفت: اسرائیل مایل است جنگ ایران و عراق نیز مانند سایر نزاعهای منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق مذاکرات

گردند. علت درگیری به گزارش رادیو کابل مخالفت آوارگان افغانی با اعزام آنها به جبهه‌های جنگ علیه عراق بوده است.

۲۱ فروردین (۸۵/۴/۱۵): رادیو رژیم خمینی اعلام نمود که دولت مبلغ ۱۰ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان دیگر را برای تقویت بنیه دفاعی و عملیات فوق العاده نظامی بجهت وزارتخانه‌های دفاع و سپاه اختصاص داده و آن را به تصویب رسانده است. تخصص این مبلغ به این دو وزارتخانه در حال حاضر است که هنوز کمتر از یکماه از تصویب بودجه کشور که یک سوم آن رسماً به جنگ اختصاص یافته است نمی‌گذرد.

۲۴ فروردین (۸۵/۴/۱۳): شریف‌الدین پیرزاده دبیرکل سازمان کشورهای اسلامی پس از گفتگو با دبیرکل سازمان ملل پیرامون جنگ ایران و عراق گفت که کمیسیون میانجیگری که وی برای پایان دادن به جنگ خلیج فارس تشکیل داده بود در هدفهای خود شکست خورده است.

۲۶ فروردین (۸۵/۴/۱۵): برای مقابله با حملات احتمالی نیروهای مسلح رژیم خمینی هفته آینده مانور هوایی مشترکی توسط نیروهای هوایی عربستان سعودی و آمریکا در جنوب خلیج فارس در کشور برگزار می‌شود.

۲۹ فروردین (۸۵/۴/۱۸): خمینی در دیدار با سران رژیم که به مناسبت روز صنعت پیش او رفته بودند در رابطه با جنگ و صلح و اعتراضات مردمی گفت: "... همه این جریان‌ها به این ختم می‌شود که بیا بیدار شوید، این نکته چیست که این طرفداران آمریکا از مصر و سودان گرفته تا همه جا، یک صد می‌گویند بیا بیدار شوید، دیگر نمی‌شود... همه آنها یک صد می‌گویند و از یک حلقوم بیرون می‌آید، آنها که اهل